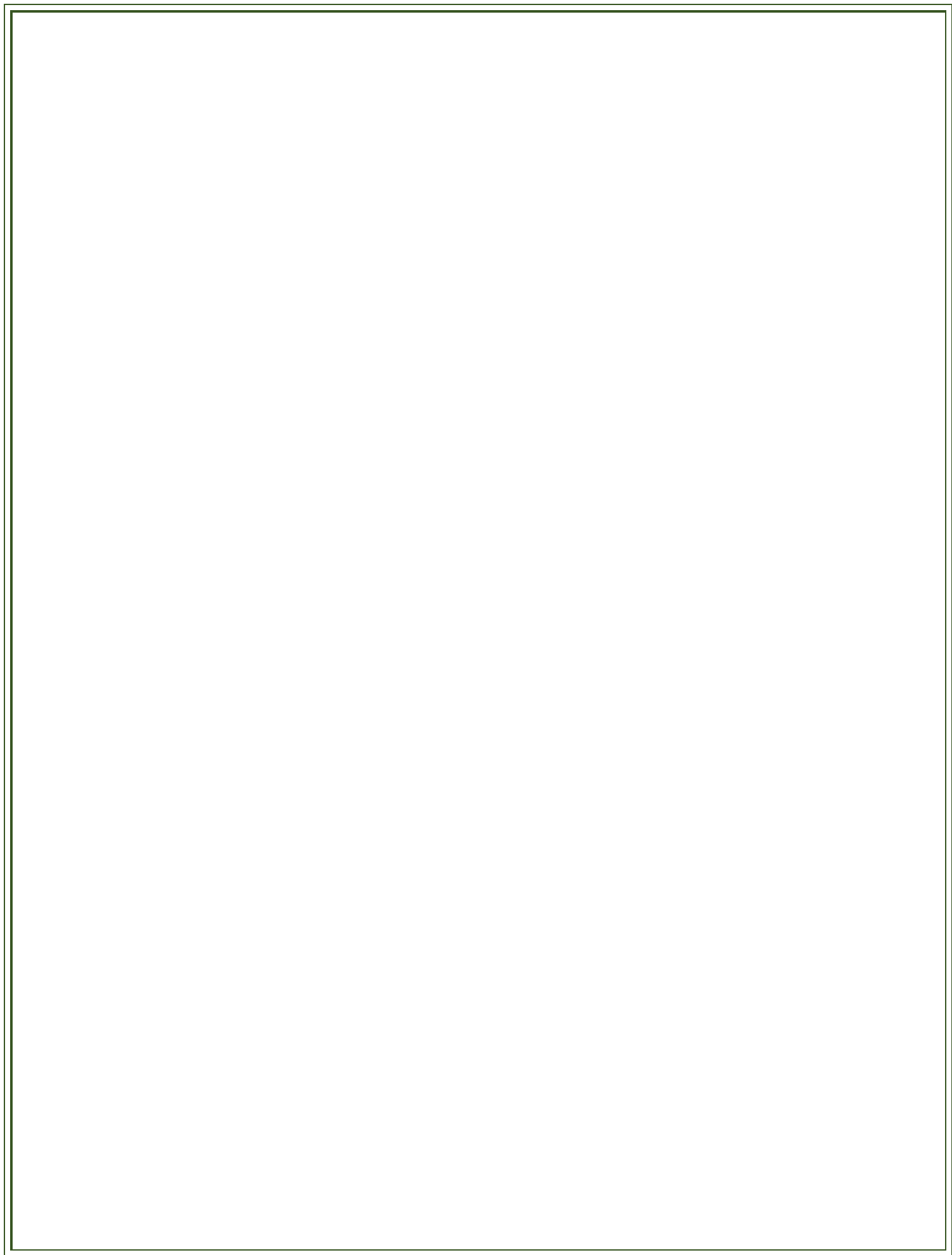


راه نجات ایران و استقامت سازنده بهائیان



به کوشش حسن ممتاز



راه نجات ایران و استقامت سازنده بهائیان

مکاتبی به پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان ایران

۲۶ نوامبر ۲۰۰۳

به کوشش حسن ممتاز

آذر ۱۴۰۴ / نوامبر ۲۰۲۵

*تصویر روی جلد: تخریب بیت مبارک حضرت اعلی در کوچه شمشیرگراها؛ ۱۷ شهریور ۱۳۵۸

فهرست

فهرست	۲
پیشگفتار	۴
متن پیام بیت‌العدل اعظم ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳	۸
تحلیل متن پیام بیت‌العدل اعظم ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳	۲۴
بخش ۱. رساله مدنیه و بازتعریف تجدّد	۲۴
بخش ۲. شواهد تاریخی در تأیید تشخیص و تجویز حضرت عبدالبهاء	۲۷
بخش ۳. راه حلّ بحران مدنیّت ایران و نقش تعلیم بهائی	۲۹
بخش ۴. تحلیل ستم و بیدادگری و نتیجه استقامت بهائیان ایران	۳۲
بخش ۵. توفیقات جامعه بهائی، الگویی از تمدّن و تجدّد معنوی و اخلاقی	۳۵
نتیجه	۳۶
نگاهی دیگر به پیام ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳	۳۷
۱. فلسفه بلا از دیدگاه حضرت بهاءالله	۳۷
۲. آرزوی ریشه‌کن کردن آیین و جامعه بهائی و نتیجه آن	۳۸
۳. دیدگاه معهد اعلی دربارۀ استقامت احبا در ایران	۳۹
ساختار موضوعی پیام ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳	۴۲
بخش نخست: رساله مدنیه و بازتعریف تجدّد	۴۲
بخش دوم: شواهد تاریخی در تأیید تشخیص و تجویز حضرت عبدالبهاء	۴۶

- بخش سوم: راه حلّ بحران مدنیت ایران و نقش تعالیم بهائی ۵۰
- بخش چهارم: تحلیل ستم و بیدادگری و نتیجه استقامت بهائیان ایران ۵۵
- بخش پنجم: توفیقات جامعه بهائی، الگویی از تمدّن و تجدّد معنوی و اخلاقی ۶۱

پیشگفتار

بهائیان ایران از سحرگاه ظهور آیین بابی در ۱۸۲ سال پیش تاکنون با مشکلات فراوانی مواجه بوده‌اند که ناشی از مخالفت و مقاومت علمای دین و امرای حکومت و همراهی مردم بوده است. مردمی که یا پیرو و سرسپرده این دو کانون قدرت بوده‌اند یا بی‌خبر از نیات و مطامع آنان، ستم بر پیروان آیین جدید را می‌دیدند و می‌گذشتند. علل و عوامل این وضعیت دیرپا در بزنگاه‌های مختلف و در آثار مؤسسان دیانت بابی و بهائی بررسی و تشریح شده است. از آثار حضرت باب گرفته تا الواح کثیر حضرت بهاءالله خطاب به سلطان وقت و رؤسای دینی مردم شرح مظالم و علل آن بیان شده است. حضرت عبداله‌ها و حضرت ولی امرالله نیز در آثار خود به این موضوع هم از دیدگاه تاریخی و هم اجتماعی و اخلاقی پرداخته‌اند. یکی از مهم‌ترین پیام‌های بیت‌العدل اعظم نیز که به این موضوع اختصاص یافته؛ پیامی است که ۲۲ سال پیش خطاب به بهائیان ایران صادر شده است.

این پیام موجز به رابطه مفاهیم «بلا»، «امتحان»، «صبر» و «استقامت» با هدف ظهور حضرت بهاءالله و استقرار «مدنیت حقیقی روحانی» و «ملکوت الهی» در عالم ناسوت پرداخته و نشان داده است که چگونه این مفاهیم عرفانی و اخلاقی که در کلمات و آیات الهی به اشکال گوناگون تبیین و توصیه شده است؛ از مرتبه باور روحانی فردی به مرتبه سلوک و رفتار جمعی و راهبرد اجتماعی و سیاسی بهائی نمایان شده و نویدبخش این وعده بیت‌العدل اعظم در جمله فرجامین پیامشان گشته که «شب تیره تضییقات به سرآید و عظمت و جلال بنیان قوی‌الارکانی را که با جان‌بازی و فداکاری بنا نموده‌اید با سُرور و مباهات مشاهده خواهید کرد.» (همین پیام)

ساختار پیام ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ به نحو زیر است:

بخش نخست: رساله مدنیه و بازتعریف تجدّد

بخش دوم: شواهد تاریخی در تأیید تشخیص و تجویز حضرت عبدالبهاء

بخش سوم: راه حلّ بحران مدنیت ایران و نقش تعالیم بهائی

بخش چهارم: تحلیل ستم و بیدادگری و نتیجه استقامت بهائیان ایران

بخش پنجم: توفیقات جامعه بهائی، الگویی از تمدن و تجدّد معنوی و اخلاقی

پیام با یادآوری یکی از نخستین بیانیه‌های اجتماعی-سیاسی امر بهائی درباره موضوعات تمدنی جامعه ایران و جهان، یعنی نگارش و ارسال «رساله مدنیه» از طرف حضرت عبدالبهاء و به اراده حضرت بهاءالله خطاب به مردم ایران در عصر ناصرالدین‌شاه و اصلاحات سپهسالار آغاز می‌شود. سپس با مروری اجمالی بر تحولات تاریخی-اجتماعی، گذار جامعه ایران از دوران تحجّر و عقب‌ماندگی به عصر تجدّد طی سه دوره حکومت قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی را پی می‌گیرد و رابطه این سیر تحوّل را با نحوه برخورد حاکمان دینی و سیاسی با جامعه نوپنیا بهائی می‌کاود تا رشته‌های آشکار و پنهان پیوند وضعیّت جامعه بهائیان را با این فرایند نشان دهد. شاید حتی راسخ‌ترین پیروان امر بهائی در ایران و جهان نیز صبر و تحمل و استقامت بهائیان ایران را در یک قرن و نیمی که مدّ نظر بیت‌العدل اعظم در این واکاوی بوده است؛ موضوعی کاملاً درونی و ایمانی و صرفاً در جهت دستیابی به حقوق فردی و اجتماعی و تشکیلاتی بهائیان ایران پندارند. این همه زندانی و جان‌بازی و محرومیت خرد و کلان را در سودای رسیدن به آزادی بهائیان بدانند که البته چنین نیز هست؛ ولی بیت‌العدل اعظم در این پیام خواسته‌اند نشان دهند که مقصد و نتیجه‌ای بسیار برتر و اساسی‌تری وجود دارد و جامعه جهانی بهائی در آزمایشگاه ایران توانسته نمونه و الگویی بسازد که مدنیت آینده جهان و امدار جامعه بهائی ایران و استقامت خلاق و اخلاقی آنان خواهد بود.

این مجموعه، تلاشی است نه چندان کامل و تمام و شایسته این موضوع و پیام معهد اعلیٰ تا به دوستان علاقه‌مند کمک کند از این پیام تاریخی بیشتر بهره‌برند. برای تسهیل ارجاع نگارنده و مراجعه خوانندگان به متن پیام بخش‌ها و بندهای آن براساس اصل پیام شماره‌گذاری شده است. پس از متن پیام تحلیلی از آن ارائه شده تا به معنا و گفتمان اصلی پیام واقف شویم. نگارنده امیدوار است که در این تحلیل شخصی چندان به بیراهه نرفته باشد و اگر به همه حقایق هم دست نیافته؛ دست کم برخی لایه‌های معنایی-گفتمانی آن را نمایانده باشد تا سرخ‌هایی برای جوانان و جامعه‌سازان و تمدن‌آفرینان آینده بهائی باشد و اندیشه مندرج در آثار مبارکه را چنان که معهد اعلیٰ خواسته‌اند دریابند و خود بیشتر بچویند و بیندیشند و بیان کنند.

التماس دعا

حسن ممتاز

شیراز- شهرالقول ۱۸۲ بدیع

آذر ۱۴۰۴ خورشیدی

متن پیام بیت‌العدل اعظم ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳

۴ شهرالقول ۱۶۰

۲۶ نوامبر ۲۰۰۳

یاران و یاوران حضرت رحمن در کشور مقدّس ایران ملاحظه فرمایند.

ای دوستان محبوب،

۱
بیش از یک‌صد و بیست‌وپنج سال پیش حضرت عبدالبهاء رساله‌ای خطاب به ملّت ایران صادر فرمود. از آنجا که جامعه جدیدالبینان بهائی گرفتار تعصّبات بی‌امان در آن سامان بود؛ صاحب آن کلام آسمانی از ذکر نام مبارک خویش بر آن صحیفه یزدانی امتناع ورزید؛ امّا پیام هیکل اطهر کاملاً صریح و روشن بود. حضرتش با مهری بی‌کران نسبت به وطنی که از زمان صباوت به علّت تبعید از دیدارش محروم مانده بود با لحنی پرشور از مردم ایران درخواست نمود که خرم‌روزگاران خوش پیشین را به خاطر آرند؛ زمانی که «مملکت ایران به منزله قلب عالم» و «مرکز علوم و فنون جلیله بود و منبع صنایع و بدایع عظیمه و معدن فضایل و خصایل حمیده انسانیّه». طلعت میثاق وراثت آن مدنیّت عظیم را دعوت فرمود که به پاخیزند و سمند همت در میدان غیرت برانند و استیفای میراث مرغوب کهن نمایند.

در آن رساله گران بها حضرت عبدالیهاء با بصیرتی کامل مسأله تجدّد را که امروزه نیز مشغله ذهنی مردمان جهان، به خصوص ملل مسلمان است؛ مطرح فرمود و مفهوم تجدّد و خصایص این انقلاب فرهنگی از جمله حکومت مردم سالاری، حاکمیت قانون، تعلیم و تربیت عمومی، رعایت حقوق بشر، پیشرفت اقتصادی، همزیستی و بردباری بین اهل ادیان، ترویج علوم و فنون و صنایع مفیده و تأمین رفاه اجتماعی را با دقت و صراحت تشریح نمود و بعد از بررسی «امور ظاهره جسمانیّه» و «اسباب تمدنیّه» خاطرنشان ساخت که منظور مبارکش تقلید کورکورانه از تمدن مغرب زمین نبوده و نیست. بالعکس آن بدر لامع با بیانی قاطع جوامع اروپا را مستغرق در بحر نفس و هوئی و گرفتار در دام بینشی ماده گرا خواند و انداز فرمود که این بینش سرانجامی جز ناکامی و ثمری جز نافرجامی از پی نداشته و نخواهد داشت:

«حال انصاف دهید که این تمدن صوری بدون تمدن حقیقی اخلاقی، سبب آسایش و راحت عمومی و وسیله اجتلاب مرضات الهی است^۱ و یا خود مخرب بنیان انسانیت و مُدَمِّر ارکان آسایش و سعادت است.»

حضرتش به خوانندگان آن رساله مبارکه توصیه فرمود که در بررسی مسأله تجدّد ناظر به باطن امور باشند. جوهر کلام مبارک آنکه عامل اصلی پیشرفت تمدن انسانی در طی قرون و اعصار قوای فعاله مقلبه عقل و دانش بوده و هست و عنوان آن صحیفه مبارکه یعنی رساله مدتیّه نیز به همین مطلب اشاره دارد. هیکل

۱ - اجتلاب: با خود آوردن؛ یاری گرفتن

۲ - مُدَمِّر: هلاک کننده

۳ - مُقَلِّبه: دگرگون کننده

مبارک- چه در ضمن بررسی حوادث و تحولات تاریخی و چه در تبیین فقراتی از آیات قرآن مجید- مخاطبانش را تشویق فرمود که درخصوص آن عطیۀ کبری که سبب ترقی حقیقی عموم بشر است؛ تأمل نمایند:

«به دیدۀ بصیرت ملاحظه نمایید که این آثار و افکار و معارف و فنون و حکم و علوم و صنایع و بدایع مختلفۀ متنوعه، کلّ از فیوضات عقل و دانش است. هر طایفه و قبیله‌ای که در این بحر بی‌پایان بیشتر تعمّق نمودند از سایر قبایل و ملل پیشترند. عزّت و سعادت هر ملّتی در آن است که از افق معارف چون شمس مُشرق گردند.»

رسالۀ مدتیۀ تجلیلی است از نقش خلاقۀ عقل و دانش در پیشرفت تمدّن انسانی. حضرت عبداله‌اء ترقّیات علمی و صنعتی را به عنوان یکی از مهم‌ترین فیوضات این لطیفۀ ربّانیّه ممتاز و مشخص فرمود و خوانندگان آن سیّفر جلیل را تشویق نمود که دربارهٔ نتایج و فوایدی که اقتباس معارف و فنون مفیده از سایر نقاط عالم نصیب ملّت ایران خواهد کرد؛ تأمل کنند. حضرتش تأکید فرمود که تحقیقات و اکتشافات سودمند منبعت از خرد انسان است و ایجاد موانع فرهنگی و ملّی برای محدود کردن این قوّه کاشفه، خلاف عقل و منطق. پیشرفت‌ها و توفیقات حاصله متعلّق به تمامی افراد بشر است و اقتباس و استفاده از آنها نه از قدر و منزلت مقتبس می‌کاهد و نه از قلّت استعداد و ظرفیت او حکایت دارد.

هیکل مبارک تنها به شرح نکات فوق اکتفا نمود؛ بلکه توجّه خوانندگان را به آن قوای روحانی که باید بینش انسان را هدایت و دلالت کند؛ معطوف ساخت. حضرتش با بیانی دقیق به نقد عقاید واهی‌ای دربارهٔ سرشت انسان که در سایر بلاد ثمری جز خسران به بار نیاورده بود؛ پرداخت. با اشاره به اینکه «بعضی نفوس چنان گمان کنند که ناموس طبیعی انسان مانع ارتکاب اعمال قبیحه و ضابط کمالات معنویّه و صوریه

است» متذکر گردید که درحقیقت، ارتفاع مقام و ترقی هر نفسی منوط به تعلیم و تربیت است و بدین منوال تعلیم و تربیت را به عنوان قانونی ضروری برای ترقی بشر و پیشرفت جامعه لازم شمرد. شواهد بی شماری گواه این حقیقت است که عامل اصلی در تهذیب اخلاق نه خرد فطری؛ بلکه تأثیر ظهور مظاهر الهیه در روح انسان است و در اثر تعالیم آن مشارق قدسیه، اهل عالم توان آن یافته اند که با کفایت و آگاهی، منابع مادی و فنون حاصله از اختراعات علمی را در خدمت رفاه و بهبود نوع بشر به کار برند. مظاهر مقدسه الهیه هستند که در هر عهد و عصری معنی و مفهوم تجدد را تعیین و مقتضیات آن را مشخص می فرمایند. ایشان اند که مربیان حقیقی نوع انسان اند:

«فوائد کلیه از فیوضات ادیان الهیه حاصل؛ زیرا متدینین حقیقی را بر صدق طویت و حسن نیت و عفت و عصمت کبری و رأفت و رحمت عظمی و وفای به عهد و میثاق و حریت حقوق و انفاق و عدالت در جمیع شؤون و مروّت و سخاوت و شجاعت و سعی و اقدام در نفع جمهور بندگان الهی، باری به جمیع شیم مرضیه انسانیّه که شمع روشن جهان مدنیت است؛ دلالت می نماید.»

بخش ۲

وقایع و حوادث عصر حاضر به طور شگفت انگیزی مؤید تشخیص و تجویز حضرت عبدالهء بوده است و این امر ما را بر آن داشت که در سطور فوق به اختصار مروری بر پیام نافذ طلعت میثاق نماییم. حقایقی

۶

۴ - طویت: نیت، اندیشه، ضمیر، قصد

۵ - شیم: جمع شیمه. خوی ها، عادت ها

که حضرتش در آن رساله مبارکه به ودیعه گذاشت هم بر موقعیت کنونی ملت ایران پرتو می افکند و هم تأثیرات این موقعیت را در جامعه پیروان جمال اقدس ابی در آن کشور نیک اختر مشخص می نماید.

حضرت مولی‌الوری از مردم ایران و اولیاء امور آن کشور خواست که دیده بصیرت بکشایند؛ از تقلید نفوس متوهمه پرهیزند؛ تغییر و تحوّل اساسی در طرز تفکر و رفتار فردی و اجتماعی را لازم شمردند؛ به فکر بزرگواری و عزّت خود بین ملل و طوایف عالم باشند و با وجدانی آگاه و تمسک به خشیه‌الله دست‌به‌دست هم داده احتیاجات مملکت را دریابند و منافع شخصی را فدای مصالح عامه نمایند؛ اما آن عزیزان به‌خوبی مستحضرنند که نصایح آن مولای توانا با بی‌اعتنایی روبه‌رو شد. کشور ایران که در دام استبداد فرسوده قاجار و پنجه زمامداران بی‌لیاقتش اسیر و گرفتار بود؛ بیش‌ازپیش در مرداب نادانی و انحطاط فرورفت. سیاستمداران فاسد رشوه‌خوارش بر سر بهره‌گیری از ثروت روبه‌زوال کشوری که در آستانه ورشکستگی بود؛ به رقابت با یکدیگر ادامه دادند. ملّتی که در گذشته ایّام برخی از بزرگ‌ترین رهبران و متفکران در تاریخ فرهنگ و تمدّن جهان چون کورش و داریوش، جلال‌الدین رومی و حافظ شیرازی، ابن سینا و زکریای رازی را در دامن خود پرورده بود؛ قربانی اقدامات طبقه روحانیون جاهل و مغرضی شد که تأمین و تداوم حقوق و امتیازات خود را در این می‌دید که خلق ناتوان را از آنچه نشانی از ترقی و تجدد داشت؛ به هراس اندازد.

پس عجب نیست که مردی سپاهی و طالب نام‌ونشان با استفاده از هرج‌ومرج ناشی از جنگ جهانی اوّل، زمام قدرت را به دست گرفت و حکومتی مبتنی بر استبداد نظامی تشکیل داد. در نظر او و جانشینش نجات ایران از آلام بی‌شمارش منوط به اجرای برنامه‌هایی منظم برای اشاعه تمدّن غرب بود. دولت جدید ملّی برای پیشبرد هدف مزبور به تأسیس مدارس و مشروعات اجتماعی و استخدام کارمندان کارآزموده و تشکیل

ارتشی مجهّز اقدام نمود. سرمایه‌گذاری خارجی را به‌عنوان وسیله‌ای برای توسعه منابع چشم‌گیر ملی، تشویق و ترویج کرد. زنان را از قیود شدیدی که مانع از پیشرفتشان بود رهایی بخشید و امکاناتی جهت تحصیل و کسب علوم و حرف و فنون برای آنها فراهم آورد. هرچند مجلس هیچ‌گاه صاحب قدرت و اختیارات لازمه نشد؛ اما امید آن بود که روزی پشتمانه حقیقی برای حکومتی بر اساس رضایت و انتخاب ملت گردد.

اسفا که این اقدامات درد جامعه را درمانی مؤثر نشد! با استفاده از منابع نفتی، ثروتی سرشار به میزانی ورای تصوّر به دست آمد؛ اما از آنجا که نظام موجود بر اساس عدالت فردی و اجتماعی استوار نبود؛ نتیجه این ثروت تمّول مفرط برای اقلیتی خودخواه و مزیت‌طلب شد؛ حال آنکه اوضاع عامه مردم فقط اندکی بهبود یافت. خاطرات گذشته‌ای پرشکوه تجدید شد و نمادهای نفیس فرهنگی به جلوه درآمد تا ابتدال عمیق جامعه‌ای را بپوشاند که پایه اخلاقی‌اش بر شنزار حرص و جاه‌طلبی استوار گردیده بود. در این جامعه هرگونه اعتراضی با سرکوبی شدید نیروی امنیتی که بدون هیچ‌گونه نظارت قانونی عمل می‌نمود؛ مواجه می‌شد.

در سال ۱۳۵۷ شمسی مردم ایران بساط آن حکومت مستبد را برچیدند و آن را به همراه دعاوی پوچ کاذبش به وادی فراموشی سپردند. انقلابشان دستاورد اتحاد گروه‌های متعدّد؛ اما نیروی محرّک‌اش آرمان‌های اسلام بود. مسؤولین و اولیاء انقلاب به مردم وعده دادند که به جای لذّت‌جویی عنان‌گسیخته، وقار و نجابت معمول خواهد شد. نابرابری‌های شدید طبقاتی و اختلاف فاحش میان فقیر و توانگر با توسّل به روح دوستی و برادری التیام خواهد یافت. منابع طبیعی که دست پروردگار به آن اقلیم پرانواز ارزانی فرموده؛ متعلّق به جمیع مردم ایران بوده و جهت ایجاد کار و فراهم‌ساختن امکانات تحصیل برای همگان صرف خواهد شد. قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران که مدّعی تساوی حقوق همهٔ مردم آن کشور است؛ وضع گردید و مقرر شد که حکومت با وجدانی بیدار بکوشد تا ارزش‌های روحانی را با اصول آزادی و مردم‌سالاری پیوند دهد.

۱۱
حال پس از گذشت قریب بیست و پنج سال باید دید که اکثر مردم ایران به چه‌سان از تحقّق وعده‌های انقلاب سخن می‌گویند. امروز فریاد نارضایتی و خشم جوانان و اعتراض علیه شیوع فساد، دسیسه‌های سیاسی، سوء رفتار با زنان و سرکوب کردن اندیشه و اندیشمندان و عدم رعایت حقوق بشر از هر گوشهٔ ایران به گوش می‌رسد. شایان تأمل است که استناد به مرجعیت قرآن مجید برای توجیه سیاست‌هایی که به چنین اوضاعی انجامیده؛ چه تأثیری بر افکار و روحیهٔ ملت می‌گذارد.

بخش ۳

۱۲
حلّ بحران مدیّت ایران، نه در تقلید کورکورانه از فرهنگ سقیم غرب است و نه در بازگشت به جاهلیّت قرون وسطی. راه نجات را در آستانهٔ این بحران، نجل بزرگوار همان سرزمین که امروز جز در موطن مقدّس خویش در جمیع قارّات عالم مورد تعظیم و تکریم است؛ با کلامی نافذ و رسا بیان فرمود. چه خوش گفته شاعر که «دوست در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم». نمونه‌ای از تقدیر و تکریم مردم جهان از مقام حضرت بهاءالله را می‌توان در مراسمی دید که در روز ۲۹ می سال ۱۹۹۲ میلادی در جلسهٔ رسمی پارلمان برزیل به مناسبت سال‌روز صدمین سال صعود آن حضرت منعقد شد و ضمن آن از مقام بنیان‌گذار آیین بهائی و تعالیم مبارکه‌اش و خدماتی که جامعهٔ پیروانش به نوع بشر ارزانی داشته؛ تجلیل گردید. در آن روز سخن‌گوی مجلس و نمایندگان

جميع احزاب به پاخاستند و یکی بعد از دیگری آن مظهر ظهور الهی را در بیانات خویش ستودند و حضرتش را آفریننده «عظیم ترین مجموعه آثار دینی که تاکنون به قلم یک فرد تألیف شده» خواندند و پیام مبارکش را پیامی «برای جميع نوع بشر و رای تفاوت های بی اهمیت نژادی، مذهبی و ملی» توصیف نمودند.

۱۳

اما پاسخ موطن و زادگاه آن وجود مقدس که نفوذ و تأثیرات ظهورش چنان عزت و منقبتی برای نام ایران به ارمغان آورده چه بوده است؟ از اوایل قرن سیزدهم هجری که جمال مبارک به قیادت امر الهی قیام فرمود با آنکه سخاوت و حکمت و بصیرت خدادادی اش زبان زد خاص و عام بود؛ آماج تیر بلا و گرفتار دام جفا گردید. نیاکان و پیشینیان شما ندای یار مهربان را لبیک گفتند و بدین عزت بی پایان معزز گشتند که در ابتلائات آن مولای علم شریک و سهم شوند. از آن گذشته پرافتخار تابه حال شما عزیزان نیز پیوسته بر امر جمال کردگار وفادار مانده اید و جان و مال خود را در سبیل انتشار نجات مشک بار آیین یزدان ایشار نموده اید. پیامی را که عامل ایجاد مدنیتی جدید و فرهنگی بدیع در جامعه بشری است به دورترین نقاط جهان رسانیده اید؛ حال آنکه در وطن خود معرض بهتان و گرفتار آزار اهل عدوان و تحقیر و توهین مخالفان بوده اید. به جرأت می توان گفت که هر خانواده بهائی در ایران از این تضییقات و صدمات بی امان سهمی داشته است.

۱۴

بی تردید یکی از شدیدترین لطامات وارده بر پیکر امر الهی، تهمت و افتراء نسبت به امر جمال ایهی از جانب نفوسی بوده است که عامه مردم ایران می بایست به آنان به عنوان مرجع تقلید در امور روحانی و اخلاقی روی آورند. بیش از یک صد و پنجاه سال است که هر وسیله ارتباط جمعی، اعم از مساجد و منابر، مطبوعات و جراید، رادیو و تلویزیون، حتی انتشارات علمی را برای تحریف حقیقت آیین بهائی به کار گرفته اند؛ صرفاً به این منظور که در بین عامه مردم حس خصومت و تحقیر و مخالفت و بیزاری نسبت به جامعه بهائی به وجود

آوردند. معاندین از ذکر هیچ تهمت ابا نکرده و از گفتن هیچ دروغی دریغ نورزیدند. در این سالیان دراز هرگز به آن عزیزان مظلوم فرصت و موقعیتی داده نشد که به دفاع از خود به پاخیزند و با بیان حقایق دسایسی را که جهت مسموم ساختن اذهان ملت طرح کرده و می کنند؛ برملا سازند.

۱۵

ذکر یک نمونه از این مفتریات، ماهیت این عناد را روشن می سازد. یکی از برجسته ترین توفیقات بی شمار امر الهی آنکه نسل های متوالی پیروان جمال ابدی در ظلّ تعالیم مبارکه حضرتش به والاترین مدارج اخلاقی در حیات روزمره خویش نایل گشته اند. این ادعا را حاجتی به برهان نیست. حیثیت و اعتباری که جامعه بهائی در سراسر جهان در میان عامه مردم و دول و دوایر بین المللی به دست آورده؛ شاهی است صادق بر این مدعا و صدها هزار نفر از هموطنان عزیزتان که از نزدیک با خلق و خوی اهل بهاء آشنایی دارند؛ نیز بر این گواهند. باوجود این، دشمنان شما در ایران به صرف کینه ای عنان گسیخته هر فتنه و فساد و خطائی را به آن مظلومان نسبت دادند. ذکر این اتهامات در جوامع آزادی که امر مبارک در آن اشتهار یافته؛ صرفاً مبین وقاحت ذهن مفتریان است.

۱۶

علاوه بر فعالیت های منظمی که برای بدنام کردن جامعه بهائی صورت گرفت سیاست هایی نیز اتخاذ گردید تا نفوس منصف و مطلعی را که مایل بودند به اعانت یاران الهی در آن سامان برخیزند به هراس انداخته و از این امر بازدارند. ستم کاران بی انصاف شما را در انظار عام عواملی خطرناک برای جامعه جلوه دادند و هر که را که به مددتان آمد؛ بهائی خوانده، به زعم خویش غیرقابل اعتمادش شمردند و دامنه جعل اکاذیب و تحریف حقایق را تا بدان جا گسترده کردند که با جسارت تمام بعضی از مخالفان امر الهی را نیز از حامیان مخفی آن قلمداد نمودند. آیا مدعی نشدند که یکی از نخست وزیران کشور که پدرش به سبب دخالت در امور سیاسی و حزبی

از جامعه بهائی طرد شده بود و خود نیز برای اثبات عدم وابستگی به امر بهائی به هر وسیله‌ای متوسل و باعث مشاكل عدیده برای احبای ایران گردید؛ بهائی بود؟

۱۷

سرکوبگران جبّار به ایراد تهمت و بهتان اکتفاء نکردند؛ بلکه از بدو ظهور هرگاه فرصتی یافتند به قلع و قمع جامعه اسم اعظم پرداختند. در سال‌های اخیر نیز عده‌ای از شریف‌ترین زنان و مردانی را که ید قدرت و مرحمت جمال قدم در بوستان امر اعظم پرورده و به ماء معین استقامت و ایمان سقایت فرموده بود به بهانه‌هایی که در نظر خردمندان به درهمی نمی‌ارزد؛ در زندان‌های مخوف مسجون ساختند؛ با شکنجه‌های شدید آزرده و پس از محاکمه‌های تصّعی و نمایشی به قتل رساندند و اموالشان را به مدد اراذل و اوباشی که محافظ منافع آن ستمگران هستند؛ به تاراج بردند. محافل روحانی را که نمونه‌های بارز مؤسّسات انتخابی برای تمشیت امور جامعه در آن سرزمین بود مستبدانه منحل نمودند؛ بعضی از اعضایشان را ربودند و نشانی از آن برگزیدگان جامعه به جا نگذاشتند. چه‌بسیار از کودکان که یتیم شدند؛ چه‌بسیار از جوانان که برنامه‌های تحصیلی و معیشت خویش را نقش بر آب دیدند؛ چه‌بسیار از سالمندان که بی‌خانمان شده و از حقوق تقاعدشان، پاداش عمری کار و کوشش صادقانه، محروم گشتند؛ حتّی برخی از گلستان‌های جاوید بهائی را که سالیان دراز در نهایت زیبایی و حسن ترتیب از آن‌ها نگهداری شده بود؛ به طرزی قبیح ویران کردند و چه بسیار پدران و مادرانی که مجبور شدند اجساد متلاشی‌شده فرزندانشان را در قطعه زمین بایری که جهت تدفین اموات به آنان واگذار شده بود؛ دفن نمایند.

دشمنان شما آماده‌اند که با ملاحظه کترین اسائه ادبی نسبت به یکی از اماکن مقدّسه اسلام بانگ اعتراض خود را به آسمان رسانند- و در این امر البتّه محقّ اند- امّا هر هتک حرمتی را نسبت به اماکن مقدّسه بهائی در

۱۸

کشور ایران روا می‌دانند. مگر بیت مبارک حضرت اعلیٰ در شیراز، زیارتگاه بهائیان عالم، به دستور علماء و به دست عمّال دولت با خاک یکسان نشد و به نشان نهایت درجهٔ اهانث هموار نگشت؟ حضرت بهاءالله دربارهٔ کسانی که دستشان به این مظالم و اعمال شرارت‌بار آلوده است؛ می‌فرمایند: «قسم به امواج بحر بیان که دین از آن نفوس بیزار بوده و هست».

بخش ۴

در دنیای پرآشوب امروز، تنها شما قربانی بیدادگری نیستید. شمار ستم‌دیدگان جهان سر به هزاران هزار می‌زند. هرساله دفاتر سازمان‌های حقوق بشر مملوّ از تقاضاهای جوامع مختلف برای رسیدگی به مظالم وارده بر اقلّیت‌های دینی، قومی، ملی و اجتماعی است. به‌فرمودهٔ حضرت بهاءالله: «امروز نالهٔ عدل بلند و حنین انصاف مرتفع. دود تیرهٔ ستم عالم و امم را احاطه نموده». آنچه مخصوصاً سبب تشویش خاطر بعضی از ناظران آگاه و تیزبین شده این است که صدمات روحی و روانی ناشی از ظلم و ستم به‌مراتب بیش از لطّات جسمانی و مادی آن است. به نظر ایشان هدف عاملان این گونه تعدّیات و تضییقات آنکه روحیهٔ فرد قربانی را تضعیف کنند؛ حیثیتش را از بین ببرند؛ حقوق فردی و اجتماعی او را سلب نمایند و بدین ترتیب خود را مجاز دانند که کمترین ملاحظه‌ای نسبت به او روا ندارند. در نتیجهٔ ادامهٔ چنین شرایطی چه‌بسا قربانیانی که اعتماد به نفسشان را از دست دادند؛ از روحیهٔ ابتکار که خصیصهٔ طبیعت انسانی است عاری گشتند؛ عزم و ارادهٔ خود را باختند و بازپچهٔ دست حاکمانشان شدند و چه بسا افرادی چنان به آن وضع خوگرفتند که در فرصت مناسب، خود نیز همان رفتار ظالمانه را نسبت به دیگران روا داشتند.

۲۰

حال اهل بصیرت مترصدند که بدانند چه نیروی شما عزیزان را از این گونه فرسودگی روحانی محفوظ داشته است و با استفاضه از چه منبع الهامی توانسته‌اید قلوبتان را از نفرت و کینه پاک و منزه سازید و با آنان که بر شما ستم روا داشته‌اند با بزرگواری و عطف رفتار نمایید و محبت جاودانه خود را نسبت به سرزمینی که در آن متحمل بلایای لائحی شده‌اید؛ حفظ کنید. چگونه است که بعد از یک قرن و نیم مقاومت در مقابل تضییقات متتابعه و علی‌رغم برنامه‌های منظم جهت ریشه‌کن ساختن جامعه بهائی هنوز شما در مساعی خویش برای رسیدن به اهداف عالی روحانی و اخلاقی با عزت و افتخار ثابت قدم مانده‌اید؟ این بیان منبع مبارک حضرت بهاءالله جواب‌گوی آن پرسش‌هاست:

«هر ناری محمود مشاهده می‌شود؛ مگر ناری که لب‌الله در قلوب ظاهر و مشتعل است. هر شجر محکم را اریاح قاصفه براندازد؛ مگر اشجار بستان الهی را و هر سراجی خاموش؛ مگر سراج امر الهی که در وسط عالم روشن و منیر است. اریاح بر نورش بیفزاید و اطفاء او را نیابد.»

۲۱

پاسخی که تاریخ به جویندگان رمز قوای روحانی بهائیان ایران خواهد داد این است که شما عزیزان پرورده دست باغبان آن بستان الهی و صنع چنین کلمات خلاقه‌یزدانی هستید: «ای دوستان، سرپرده یگانگی بلند شد؛ به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید. همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار». «محبت نور است؛ در هر خانه بتابد و عداوت ظلمت است؛ در هر کاشانه لانه نماید». «اگر انسان به قدر و مقام خود عارف شود؛ جز اخلاق حسنه و اعمال طیبیه راضیه مرضیه از او ظاهر نشود». «باید کل الیوم به اسبابی تمسک نمایند که

سبب اصلاح عالم و دانایی ام است». «لسان از برای ذکر خیر است او را به گفتار زشت میالایید». «اناث و ذکور عندالله واحد بوده و هست». «دَزه‌ای از عصمت اعظم از صدهزار سال عبادت و دریای معرفت است». «کل را به صنعت و اقتراف امر نمودیم و از عبادت محسوب داشتیم». «امانت باب اعظم است از برای راحت و اطمینان خلق». «دانایی سبب علو و سمو است. انسان را از خاک به افلاک رساند و از تاریکی به روشنائی کشاند. اوست نجات‌دهنده و حیات‌بخشنده. کثر باقی عطا کند و مائده مُنْزله بخشد».

جوهر این آیات مبارکه در این نصیحت مشفقانه حضرت عبدالبهاء که همه از کودکی با آن پرورش یافته‌اید نهفته است: «بهائی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی».

۲۲

واقع‌بینی و چاره‌جویی و کردانی و ابتکاری که در سال‌های اخیر از خود به ظهور رسانیده‌اید سبب تسکین قلوب بهائیان و تحسین دیگران در سراسر جهان گشته است. هنگامی که فرزندانان به علّت تمسّک به امر الهی از مدارس اخراج شدند به تشکیل کلاس‌های درسی در منازل خود اهتمام ورزیدید. در سطح دانشگاهی مؤسسه علمی آزاد را بنیان نهادید. اگرچه این اقدام جواب‌گوی احتیاجات هزاران جوان بهائی که هنوز بی‌رحمانه از فیض تحصیل در ایران محروم‌اند نیست؛ امّا مایه افتخار است که امروز بعضی از فارغ‌التحصیلان آن مؤسسه در دانشگاه‌های معتبر جهان به ادامه تحصیلات عالیّه خود مشغول‌اند. به یمن تبرّعات فداکارانه شما نه تنها هیچ‌یک از یاران در آن دیار نیازمند نمانده؛ بلکه مخارج لازم جهت فعالیت‌های آن جامعه نیز تأمین شده است. بلی، در شرایطی چنین دشوار، جامعه بهائی ایران مستغرق در بحر آثار مبارکه الهیه با شور و هیجان به حیات و ترقّیات روحانیّه خویش ادامه می‌دهد و این شوق و شور فقط می‌تواند ثمر محن و بلایا در سبیل الهی باشد.

ثمرات روحیه فداکاری و استقامت شما عزیزان در طول بیش از یک قرن، نه تنها در ایران بلکه در سراسر عالم مشهود بوده است. امروز هیچ نقطه‌ای در جهان نیست که از خدمات لایقه حبّای عزیز ایران در جهت نشر تعالیم الهی و تأسیس و تحکیم مؤسّسات امری سهمی وافر نبرده باشد. توفیقات حاصله البتّه محدود به عرصه حیات روحانی جامعه بهائی نیست؛ چنان‌که کمتر رشته علمی یا هنری و یا صنعتی را می‌توان نام برد که بهائیان ایرانی به‌خصوص جوانان در آن به کسب اعلیٰ مراتب کمال که به‌کرات مورد تأکید حضرت عبداله‌اء قرار گرفته؛ موفق نشده باشند. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند در مدّتی کوتاه به چنین قوّه و استعدادی دست یابد و ظهور این کمالات و فضایل را نمی‌توان صرفاً مرهون اراده بشری دانست. حیات و خدمات مهاجران بهائی ایرانی ثمره فرهنگی است که تعلیم و تربیت را ارج می‌نهد و در دامن این فرهنگ است که این عزیزان و نسل‌های قبل از ایشان در موطن خویش با عشق و محبّت پرورش یافته‌اند.

صاحبان انصاف آن یاران را شاهد صادقی بر این مدّعا می‌دانند که ایمان به خدا و اعتقاد به حقیقت تجدد با یکدیگر سازگارند و توفیقات شما نشانی از این است که فی‌الحقیقه علم و دین دو نظام دانایی مستقل؛ اما مکمل یکدیگرند و محرّک پیشرفت تمدّن. این حقایق بر بسیاری از آشنایان مسلمان شما نیز روشن شده و می‌شود. این آشنایان و همسایگان که به‌راستی مصداق آیه «أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» اند با خشم و تأسّف شاهدند که دوستانی که بی‌گناهی‌شان در نظر ایشان محرز است بدون هیچ‌گونه حفاظت و حمایت قانونی، مورد بهتان و هجوم قرار گرفته‌اند. ایشان شاید حتّی بیش از خود شما به شهادت و نجاتی که در خلال این تضییقات از خود نشان داده‌اید؛ واقف و به‌تدریج به صفات واقعی کسانی که با اذیت و آزار شما حرمت اسلام

^۸ - سورة آل عمران، آیه ۱۰۴. (همه مردم را به سوی نیکی دعوت نمایند)

را آلوده می‌سازند؛ پی‌برده و می‌برند. اگرچه شما حبیبان معنوی هنوز از آزادی محرومید؛ اما در آستانهٔ آید که مقام و موقعیت خود را به عنوان عضو شریف جامعهٔ ایران کسب نمایید و با مالک اهل آن دیار خدماتی را که ید قدرت پروردگار برای آن پاک‌اندیشان جهت عزّت و منقبت کشور مقدّس ایران مقدّر فرموده؛ غنیمت خواهند شمرد.

بخش ۵

بزرگ‌ترین اشتباهی که طبقات حاکمه می‌توانند مرتکب شوند؛ این است که تصوّر کنند با قدرتی که برای خود غصب کرده‌اند؛ می‌توانند سدّ و مانعی برای قوای مستمرّ تغییر و تحولات تاریخی باشند. امروز، چه در ایران و چه در دیگر نقاط جهان، سیل این تحولات با سرعت و قوّت در جریان است. نه وجودش را می‌توان انکار کرد و نه مسیرش را منحرف نمود و نه از شدّت و قدرتش کاست. از درودیوار می‌گذرد و به درون خانه راه می‌یابد.

۲۵

دلیل اصلی اینکه علماء و امراء از بدو ظهور به مخالفت با امر حضرت بهاءالله قیام نمودند آن بود که حضرتش را مؤسّس جامعه‌ای بدیع مبتنی بر برابری و عدالت اجتماعی می‌دیدند که در آن، جا و مقامی برای خود نمی‌یافتند. این بیم‌وهراس از آن زمان تا کنون انگیزهٔ بروز شداید و بلایای متوالیه بر آن سالکان سبیل محبّت و وفا بوده و هیچ شخص منصفی انکار نخواهد کرد که علی‌رغم این مظالم جامعهٔ بهائی اقلیتی خلاق و نمونه‌ای از تمدّن آیندهٔ مورد نظر حضرت بهاءالله و نشانه‌ای از ارادهٔ آهنگین آن جمال مبین برای تحقّق مقصد اعلای خویش است. شما ستاینندگان اسم اعظم در محمد امرالله با خدمات صادقانهٔ خود و با ازخود گذشتگی

۲۶

و حتّی نثار جان به ثبوت رسانیده‌اید که به‌راستی آرزومند پیشرفت و ترقّی کشور ایرانید؛ ایرانی که حضرت
عبدالبهاء دربارهٔ آن چنین می‌فرماید:

۲۷ «افق ایران از پرتو مه آسمان روشن و منیر گردید. عن‌قرب آفتاب عالم بالا چنان بدرخشد که آن اقلیم
اوج‌اثر گردد و به جمیع جهان پرتو اندازد و عزّت ابدیّه پیشینیان دوباره چنان ظهور نماید که دیده‌ها خیره
و حیران گردد.»

«ایران مرکز انوار گردد. این خاک تابناک شود و این کشور منور گردد و این بی‌نام‌ونشان شهر آفاق
شود و این محروم محرم آرزو و آمال و این بی‌بهره‌ونصیب فیض موفور یابد و امتیاز جوید و سرفراز
گردد.»

۲۸ این مشتاقان در اعتاب مقدّسه منوره آن باسلان میدان خدمت و وفا را در ادعیّه قلبیّه خویش یاد
می‌کنند. شب تیره تضییقات به سرآید و عظمت و جلال بنیان قوی‌الارکانی را که با جان‌بازی و فداکاری بنا
نموده‌اید با سُرور و مباهات مشاهده خواهید کرد.

[امضا: بیت‌العدل اعظم]

تحلیل متن پیام بیت‌العدل اعظم ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳

بخش ۱. رساله مدینه و بازتعریف تجدد

پیام با لحنی گزارشی کوشیده مخاطبان را با پیشینه‌ای آشنا کند که شاید ربط آن را به وضعیت کنونی جامعه بهائی ایران کمتر دیده باشند. ما را به ۱۲۵ سال پیش و زمان صدور رساله مدینه از طرف حضرت عبداله‌اء می‌برد و نشان می‌دهد که ایران چگونه در برابر بحران تمدنی و عقب‌ماندگی از جهان غرب نتوانست الگوی مناسب را بیابد و میان دو قطب سرگردان ماند: یکی تقلید از تمدن مادی غرب به امید پیشرفت علمی، صنعتی و اقتصادی و اصلاح ساختارهای اجتماعی و سیاسی و دیگری بازگشت به سنت به بهانه حفظ اصالت‌ها و ارزش‌های دینی و در ضدیت با علم و فناوری و عقل مدرن غربی.

دیانت بهائی از طریق آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبداله‌اء، مشفقانه راه اصلاحات مناسب و متناسب را به مردم و رهبران فکری، دینی و سیاسی ایران پیشنهاد کرد. رساله مدینه یکی از شاخص‌ترین این متون است که به طور مفصل و مستدل الگوی مدنیت پایدار را ترسیم و ارائه نموده بود. متأسفانه به هیچ کدام از این نصایح و توصیه‌ها اعتنایی نشد.

بیت‌العدل اعظم در بخش نخست این پیام سه کار عمده انجام داده‌اند:

۱. بازخوانی رساله مدینه در نسبت با تاریخ تجدد در ایران
۲. تشخیص نقاط قوت پیام حضرت عبداله‌اء و جایگاه آن در گفتمان تجدد
۳. مقدمه‌ای برای نشان دادن بحران تاریخی عدم فهم مدنیت حقیقی در ایران امروز

یعنی «پیشینه، تشخیص و معیار» تجدّد را بیان می‌کند. همچنین به نقش رساله مدینه در «فهم ریشه‌های گمراهی بحث تجدّد در ایران» می‌پردازد. باید توجه داشت که این پیام برای اقناع منتقدان و کسانی که بهائی نیستند نوشته نشده؛ بلکه برای تبیین، تقویت هویت و جهت‌بخشی عملی بهائیان است؛ بنابراین باید آن را در این زمینه و با توجه به مخاطب آن خواند. پیام می‌خواهد به بهائیان ایران بگوید شما وارث ینشی هستید که اگر جامعه بزرگ ایران از آن بهره می‌برد؛ اکنون گرفتار این وضعیت بحرانی نبود.

در این پیام تجدّد که به عنوان «انقلاب فرهنگی» توصیف شده؛ خصایصی داشته و دارد که از نظر معهد اعلیٰ «رساله مدینه» آنها را «با دقت و صراحت تشریح نمود»:

۱. حکومت مردم‌سالاری،
۲. حاکمیت قانون،
۳. تعلیم و تربیت عمومی،
۴. رعایت حقوق بشر،
۵. پیشرفت اقتصادی،
۶. همزیستی و بردباری بین اهل ادیان،
۷. ترویج علوم و فنون و صنایع مفیده
۸. و تأمین رفاه اجتماعی

در پیام، «رساله مدینه» بر محور تمدن حقیقی الهی و نقش عقل، دانش و فضایل اخلاقی قرار داده و «تجدّد» یک «مرحله» یا «صورت» برای تمدن تلقی شده است. اگر در «رساله مدینه» از تجدّد و «اسباب تمدّیه» تجلیل شده است؛ تمدن را در پرتو «عقل، دانش، اخلاق، و دین حقیقی» بازتعریف می‌کند و «تجدّد» یکی از مصادیق سنجش این تعریف است؛ نه موضوع اصلی رساله حضرت عبداله‌اء. همچنین

بیت‌العدل اعظم تأکید می‌کند که منظور حضرت عبداله‌اء «تقلید کورکورانه از تمدن مغرب زمین نبوده و نیست.» چون که ارزیابی حضرت عبداله‌اء از وضعیت اخلاقی اروپای زمان خودشان آن بوده که آن‌ها «مستغرق در بحر نفس‌وهوی و گرفتار در دام بینشی ماده‌گرا» هستند که سرانجامش «جز ناکامی» و ثمرش «جز نافرجامی» نیست.

بیت‌العدل اعظم یادآور می‌شود که علاوه بر «عقل و دانش» قوای روحانی «باید بینش انسان را هدایت و دلالت کند». چرا حضرت عبداله‌اء عقل و دانش بشر را که عامل و قوه محرک تمدن دانسته‌اند؛ کافی نمی‌دانند و لزوم قوه دیگری را برای هدایت بینش انسانی مطرح می‌نمایند؟ زیرا بدون اخلاق عقل و دانش نمی‌تواند «تمدن» مستحکم بسازد. البته منظورشان از اخلاق، اخلاقی نیست که منشأ آن تشخیص عقل بشری است؛ بلکه اخلاقی منبعث از تعالیم مظاهر الهی. از دیدگاه حضرت عبداله‌اء «مظاهر مقدسه الهیه» یا همان «مرتبیان حقیقی نوع انسان» هستند که «در هر عهد و عصری معنی و مفهوم تجدّد را تعیین و مقتضیات آن را مشخص می‌فرمایند.» این طرز تلقی واضحاً با دیدگاه فیلسوفان مکاتب مادی مغایر است. باید توجه داشت که منظور حضرت عبداله‌اء از دین، دین حقیقی است نه آنچه که به جای فضایل انسانی، مبتنی بر هوای نفسانی مدعیان دینداری است؛ به همین علت است که بیت‌العدل اعظم بیانی را از «رساله مدنیّه» شاهد آورده است که هیکل مبارک «فواید کلیه فیوضات ادیان الهیه» را برشمرده‌اند. بدین ترتیب بیت‌العدل اعظم از مفهوم «تجدّد» به «دین حقیقی الهی» و از آن به «فضایل اخلاقی» پیوند می‌زند. بنابراین نظریه مدنیّت در آیین بهائی مبتنی بر اخلاق است و سرچشمه ارزش‌های اخلاقی هم تعلیم و تربیتی است که در ظلّ دین حقیقی صورت می‌پذیرد. همچنین دین حقیقی با «عقل و دانش» سازگاری و توافق دارد.

بخش ۲. شواهد تاریخی در تأیید تشخیص و تجویز حضرت عبدالبهاء

پس از این بحث نظری با توضیح رؤوس دیدگاه حضرت عبدالبهاء در «رساله مدنیه»؛ محور اصلی بحث در بخش بعدی پیام، این است که نشان داده شود چگونه اوضاع و احوال عصر کنونی، هم «تشخیص» و «تجویز» حضرت عبدالبهاء را درباره تمدن مادی و تمدن حقیقی الهی تأیید و هم موقعیت ملت ایران را تبیین می‌کند و تأثیرات این موقعیت را بر جامعه بهائی ایران نیز نشان می‌دهد. برای رسیدن به این هدف، بیت‌العدل اعظم روش تحلیل تاریخی سه دوره تاریخ معاصر را به کار برده و به ترتیب زمانی نشان داده است که چگونه در هر سه دوره - قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی - به توصیه‌های حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء توجهی نکردند و حتی با آن مبارزه هم نمودند.

خواست حضرت عبدالبهاء از مردم ایران به روایت معهد اعلی چنین بوده است:

۱. گشودن دیده بصیرت

۲. پرهیز از تقلید نفوس متوهمه

۳. لزوم تغییر و تحول اساسی در طرز تفکر و رفتار فردی و اجتماعی

۴. به فکر بزرگواری و عزت خود بین ملل و طوایف عالم بودن

۵. درک احتیاجات مملکت با وجدانی آگاه

۶. تمسک به خشیه‌الله

۷. فداکردن منافع شخصی در پای مصالح عامه

اما به نظر بیت‌العدل اعظم به این نصاب بی‌اعتنایی شد. تحلیل و توصیف بیت‌العدل اعظم از اوضاع اجتماعی دوره قاجار واجد این ویژگی‌هاست:

۱. گرفتاری کشور ایران در دام استبداد فرسوده قاجار و پنجه زمامداران بی‌لیاقتش

۲. فرورفتن بیش‌ازپیش در مرداب نادانی و انحطاط

۳. رقابت سیاستمداران فاسد رشوه‌خوارش بر سر بهره‌گیری از ثروت روبه‌زوال کشور

در این توصیف چیزی که برجسته است نقش زمامداران در انحطاط جامعه است و مردم ایران نیز در آن زمان، خود «اسیر و گرفتار» شده بودند. ملتی که وارث «برخی از بزرگ‌ترین رهبران و متفکران در تاریخ فرهنگ و تمدن جهان» است؛ خود «قربانی اقدامات طبقه روحانیون جاهل و مغرض» بود. نقش این طبقه و گروه این بوده که «خلق ناتوان» را از «ترقی و تجدد» بترساند.

نتیجه این وضعیت، تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی بود. بیت‌العدل اعظم حکومت جدید را «مبتنی بر استبداد نظامی» وصف می‌کند که «با استفاده از هرج‌ومرج ناشی از جنگ جهانی اول» بر سر کار آمد. ویژگی دیگر حکومت پهلوی را این می‌داند که «نجات ایران» از وضعیت اسفناک دوره قاجار چنانکه توصیف شد؛ «اجرای برنامه‌هایی منظم برای اشاعه تمدن غرب» می‌دانسته. بیت‌العدل اعظم، دولت جدید را «ملی» و مبتکر اصلاحاتی در جامعه ایران می‌داند که فهرست برخی از آن‌ها را به طور اجمالی بیان می‌کند:

۱. تأسیس مدارس و مشروعات اجتماعی

۲. استخدام کارمندان کارآزموده

۳. تشکیل ارتش مجهز

۴. تشویق و ترویج سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه منابع ملی

۵. آزادی زنان و ایجاد امکاناتی جهت تحصیل و کسب علوم و حرف و فنون برای زنان

بیت‌العدل اعظم با برشمردن برخی مشکلات تجدّد سطحی و فاقد جنبه اخلاقی و ناکام در ایجاد عدالت اجتماعی توسط دولت جدید ملی در عصر پهلوی از اینکه اصلاحات و ثروت سرشار نفتی نتوانست اوضاع عامه مردم را کاملاً بهتر کند و درد جامعه را درمان شود؛ متأسّف است.

سپس پیام به برجیده شدن «حکومت مستبد» پهلوی «به همراه دعاوی پوچ و کاذبش» به دست مردم ایران در سال ۱۳۵۷ می‌رسد که نتیجه‌اش پیروزی انقلابی بود که محرک اصلی‌اش را آرمان‌های اسلامی می‌داند. بیت‌العدل اعظم وعده‌های مسؤولان و اولیای انقلاب و مدعاهای مندرج در قانون اساسی جدید را برمی‌شمارند؛ ولی نتیجه می‌گیرند که بعد از گذشت ۲۵ سال شاهد ناکامی در تحقّق وعده‌ها و در نتیجه اعتراض و نارضایتی و خشم جوانان «علیه شیوع فساد، دسیسه‌های سیاسی، سوء رفتار با زنان و سرکوب کردن اندیشه و اندیشمندان و عدم رعایت حقوق بشر» هستیم و این نکته مهم را قابل تأمل می‌دانند که «استناد به مرجعیّت قرآن مجید برای توجیه سیاست‌هایی که به چنین اوضاعی انجامیده؛ چه تأثیری بر افکار و روحیه ملت می‌گذارد».

این بخش نشان می‌دهد که هیچ یک از آشکال حکومت و دولت‌هایی که پس از صدور «رساله مدنیّه» به قدرت رسیدند؛ موفق به درمان دردهای جامعه ایران نشدند. دو الگوی تجدّد به وضوح و با شواهد مستند تاریخی و آماری شکست خورده‌اند و نه تجدّد ظاهری و غرب‌گرا توانسته درد را کاملاً درمان کند و نه وفاداری به سنّت ضد عقلانی و معنویت ادعایی بدون تعهد به آزادی و عدالت، گاهی از کار فرو بسته تمدّن و تجدّد باز کرده است.

بخش ۳. راه حلّ بحران مدنیّت ایران و نقش تعالیم هائی

بخش سوم پیام به راه حلّ «بحران مدنیت ایران» اختصاص دارد و این راه «نه در تقلید کورکورانه از فرهنگ سقیم غرب» و «نه در بازگشت به جاهلیت قرون وسطی» است؛ بلکه راه نجات را آن چیزی می‌داند که حضرت بهاءالله «با کلامی نافذ و رسا بیان فرمود». بیت‌العدل اعظم با تأکید بر جایگاه جهانی حضرت بهاءالله از بی‌اعتنایی به پیام ایشان در وطن خودشان متأسف است؛ درحالی‌که غیرایرانیان بیشتر به ایشان و پیامشان توجه و اقبال نشان داده‌اند. به‌عنوان نمونه، تجلیل از مقام آن حضرت و تعالیمش و خدمات پیروانش در جلسه رسمی پارلمان برزیل در سال ۱۹۹۲ شاهد آورده شده است.

پاسخ موطن و زادگاه حضرت بهاءالله به پیام ایشان از دیدگاه بیت‌العدل اعظم هم لبیک بوده و هم زجر و آزار و بلا. آنان که این دعوت را پذیرفتند «بدین عزّت بی‌پایان معزز گشتند که در ابتلائات آن مولای علیم شریک و سهم شوند.» و «جان‌ومال خود را در سبیل انتشار نفحات مشک‌بار آیین یزدان» ایثار نمایند. پیام حضرت بهاءالله چه بود که با انکار و مقاومت بیشتر هموطنانشان مواجه شد؟ پیامشان «عامل ایجاد مدنیتی جدید و فرهنگی بدیع در جامعه بشری» است که پیروانش در رساندن آن به سراسر نقاط جهان تلاش کرده‌اند؛ درحالی‌که مخالفان آن حضرت در وطنش از وارد کردن هیچ زجر و اذیت و توهین و تهمت به پیروان آئینش فروگذار نکرده‌اند؛ تا حدی که به قول بیت‌العدل اعظم «به‌جرات می‌توان گفت که هر خانواده‌ی هائی در ایران از این تضییقات و صدمات بی‌امان سهمی داشته است.»

سپس به مسأله «تهمت و افترا» به امر هائی و پیروانش در طی تاریخ پیدایش آن پرداخته، منشأ اصلی و و راه‌ها و وسایل گوناگونش را برشمرده است. هدفشان را این می‌داند که «در بین عامّة مردم حسّ خصومت و تحقیر و مخالفت و بیزاری نسبت به جامعه‌ی هائی به وجود آورند.» فرصت پاسخ‌گویی و دفاع را هم از هائیان گرفته‌اند؛ ولی در عوض آن‌ها با کردار فردی و اجتماعی خود «به والاترین مدارج اخلاقی در حیات روزمرّه خویش نایل گشته‌اند.» که شاهد آن حیثیت و اعتبار جامعه‌ی هائی در سراسر جهان در میان

عامه مردم و دول و دواير بين المللی است و گواهی کسانی از هموطنان عزيز ایرانی است که از نزدیک با خلق و خوی بهائیان آشنایی دارند. علت تهمت زنی به بهائیان صرفاً «کینه‌ای عنان گسیخته» نسبت به آیین و جامعه بهائی است. تهمتهایی که در میان مردم جوامع آزاد فقط بیانگر «وقاحت ذهن مفتریان» بوده است نه خطاکاری بهائیان.

سیاست دیگری که دشمنان امر پیش گرفته‌اند این بوده که اگر تهمت‌هایشان اثری نکرد و «نفوس منصف و مطلق» مایل بودند «به اعانت یاران الهی در آن سامان برخیزند»؛ دامنه اتهام را به آنان نیز گسترش دهند تا ایشان را بترسانند و از بهائیان دور کنند. حتی به این هم اکتفا نکردند؛ بلکه کار را به جایی رسانده‌اند که «با جسارت تمام بعضی از مخالفان امر الهی را نیز از حامیان مخفی آن قلمداد نمودند.» نمونه بارزش هم نسبت دادن یکی از نخست‌وزیران سابق به امر بهائی بود در حالی که وی فرزند فردی طردشده از جامعه بهائی بود و به گفته بیت‌العدل اعظم «برای اثبات عدم وابستگی به امر بهائی به هر وسیله‌ای متوسل و باعث مشکل عدیده برای احبای ایران گردید».

هدف این بخش با ارائه فهرست آزار و اذیت‌هایی که به بهائیان وارد کرده‌اند این است که نشان دهد دشمنان و مخالفان امر بهائی علیه شخصیتی به دروغ و تهمت و اهانت متوسل شده‌اند که نسخه عزت و نجات ایران را بدون هیچ چشم‌داشتی به قدرت و ثروت به هموطنانش داده است. پیروان او نیز دچار همان مصایب و تضییقات شدند درحالی‌که آنان نیز جز انتشار پیام صلح و محبت و عدالت و برابری و تخلق به اخلاق پسندیده جرمی نداشته‌اند. کسانی که نه خود به این نصایح توجه کردند و نه گذاشتند که مردم شریف و منصف ایران از آن باخبر شوند.

بخش ۴. تحلیل ستم و بیدادگری و نتیجه استقامت بهائیان ایران

این بخش حلقه واسطی بین تاریخ ایران و تعالیم آیین بهائی است که مخاطب را آماده نتیجه‌گیری نهائی می‌کند. بیت‌العدل اعظم در ادامه شرح مظالم و بلایای احبای ایران، در آغاز بخش چهارم پیام، به بیدادگری جهانی در عصر حاضر پرداخته‌اند که شاهدهی برای این بیان مبارک حضرت بهاءالله است که فرموده‌اند: «امروز ناله عدل بلند و حنین انصاف مرتفع. دود تیره ستم عالم و امم را احاطه نموده».

بیت‌العدل اعظم به «صدمات روحی و روانی ناشی از ظلم و ستم» توجه می‌کند که «به مراتب بیش از لطامات جسمانی و مادی آن است.» و هدف عاملان هم بیشتر همین صدمات است؛ چون انتظار ظالمان این است که این گونه تعدیات به نتایج زیر ختم شود:

۱. روحیه فرد قربانی را تضعیف کنند؛

۲. حیثیتش را از بین ببرند؛

۳. حقوق فردی و اجتماعی او را سلب نمایند.

همه این‌ها برای این است که شاید در این میان قربانیانی:

۱. اعتماد به نفسشان را از دست دهند؛

۲. از روحیه ابتکار که خصیصه طبیعت انسانی است عاری گردند؛

۳. عزم و اراده خود را ببازند؛

۴. بازیچه دست حاکمانشان شوند؛

۵. و چه بسا افرادی چنان به آن وضع خوگیرند که در فرصت مناسب، خود نیز همان رفتار ظالمانه را نسبت به دیگران روا دارند.

از تحلیل پیامدهای روانی-اجتماعی ستم‌ها به یکی از مهم‌ترین مضامین این پیام می‌رسیم که راز استقامت بهائیان در برابر این مظالم و تضییقات و نباختن روحیه خود و بیرون رفتن از راه راستی و درستی است. از نظر بیت‌العدل اعظم رفتار بهائیان ایران در برابر ستم‌ها و محرومیت‌هایی که پیشتر در پیام شرح داده شده؛ چنین بوده است:

۱. محفوظ ماندن از این گونه فرسودگی روحانی
 ۲. پاک ساختن قلوبشان از نفرت و کینه
 ۳. رفتار با بزرگواری و عطف رفتار با ستم‌کاران
 ۴. حفظ محبت جاودانه خود نسبت به ایران
 ۵. ثبات قدم در مساعی خویش با عزت و افتخار، برای رسیدن به اهداف عالی روحانی و اخلاقی
- بیت‌العدل اعظم چگونگی رسیدن به این خصایل را همچون پرسش‌هایی مطرح می‌کند که در برابر اهل بصیرت قرار گرفته است. پاسخی که بیت‌العدل اعظم به این پرسش‌ها می‌دهد؛ ملهم از بیانات مبارکه حضرت بهاء‌الله و رمزگشایی از فلسفه و حکمت بلایا در امر بهائی است. این پاسخ‌ها نشان می‌دهد که استقامت بهائیان در برابر تضییقات و محرومیت‌ها به فلسفه ظهور و اهداف آن ربط دارد. اهدافی چون ایجاد وحدت، محبت، عدالت، برابری و اخلاق پسندیده از طریف تعلیم و تربیت. این‌ها همان عناصر مفقوده در مدنیت مادی امروز و همه آن تلاش‌هایی است که یک قرن و نیم هموطنان بهائیان ایران کوشیده‌اند بدان دست یابند و نیافتند.

بیت‌العدل اعظم از این تحلیل برای استنتاجی منطقی استفاده می‌کند تا نشان دهد بقای جامعه بهائی، شاهدی گویا و انکارنشدنی برای اثبات حقایق و کارایی تعالیم اخلاقی و اجتماعی آیین بهائی است. جلوه

واقعی این اصول و تعالیم را نیز در اقدامات و ابتکارات جامعه بهائی ایران در برابر محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی ۲۵ ساله بعد از انقلاب می‌داند. اقداماتی که چند مورد آن به شرح زیر است:

۱. تشکیل کلاس‌های درسی در منازل خود برای دانش‌آموزان محروم از تحصیل

۲. بنیان‌گذاری موسسه علمی آزاد در سطح دانشگاهی برای جوانان محروم از تحصیلات عالی

۳. رفع نیاز بهائیان نیازمند به کمک تبرّعات فداکارانه

و همه این‌ها را شاهدهی برای «واقع‌بینی و چاره‌جویی و کردانی و ابتکاری» می‌داند که «سبب تسکین قلوب بهائیان و تحسین دیگران در سراسر جهان گشته است». یکی از ثمرات بلایا در سبیل الهی را استغراق در بحر آیات الهی با شور و شوق و ادامه حیات روحانی خویش می‌داند.

بیت‌العدل اعظم تصریح کرده که ثمرات استقامت و فداکاری احبای ایران فقط منحصر به موطن ایشان نبوده است و در سرتاسر جهان؛ خدمات بهائیان ایرانی در میادین گوناگون ظاهر است. همچنین توفیقاتشان محدود به حیات روحانی جامعه بهائی نیست؛ بلکه در عرصه‌های علمی و هنری و صنعتی نیز شاهد درخشش آنان هستیم. همه این‌ها را دلیلی دانسته که عاملی فراتر از اراده بشری در کار بوده که باعث ظهور این همه کمالات و فضایل و استعداد شده است و آن فرهنگی است که «تعلیم و تربیت را ارج می‌نهد» و ایشان را در موطن خویش با عشق و محبت در دامن خویش پرورده است.

بیت‌العدل اعظم همه آنچه سرگذشت بهائیان ایران را از یک قرن و نیم پیش از صدور این پیام رقم زده و داستان بلا و استقامت در راه راست بوده؛ به موضوع «تجدّد» و «مدنیّت» پیوند می‌زند و کامیابی و توفیق بهائیان را در این می‌داند که توانسته‌اند الگوی تجدّد حقیقی را به هموطنانشان و جهانیان نشان دهند. اینجا معلوم می‌شود که از دیدگاه بیت‌العدل اعظم شاهد صادق سازگاری «اعتقاد به حقیقت تجدّد» با «ایمان به خدا» ثمری است که داستان استقامت بهائیان ایران به بار آورده است. شاید کمتر کسی تصور

می‌نمود که این محرومیت‌ها و محدودیت‌ها برعکس آنچه به ظاهر می‌نمود؛ اثبات یکی از اساسی‌ترین تعالیم دیانت بهائی باشد؛ یعنی «توافق علم و دین» به عنوان «دو نظام دانایی مستقل؛ اما مکمل یکدیگر» و «محَرِّک پیشرفت تمدن».

استقامت سازنده بهائیان ایران پیامی برای همه داشته است: پیام مقاومت اخلاقی؛ تمسک به محبت و پرهیز از خشونت، حتی در برابر آزارگران؛ توسعه علمی و فرهنگی با کم‌ترین امکانات و در عین محدودیت؛ و اداره امور جامعه خود و کمک به نیازمندان بدون اتکا به اعانت دیگران. نتیجه آنکه اگر جامعه ایران نصاب و تعالیمی را به کار می‌بست که بهائیان به آن عمل می‌نمایند؛ به تجدّد حقیقی می‌رسید و از این بحران نجات می‌یافت.

بخش ۵. توفیقات جامعه بهائی، الگویی از تمدن و تجدّد معنوی و اخلاقی

بخش پایانی پیام به بزرگ‌ترین اشتباه طبقات حاکمه اشاره دارد و آن این تصور اشتباه است که «می‌توانند سدّ و مانعی برای قوای مستمر تغییر و تحولات تاریخی باشند.» نفوذ تعالیم حضرت بهاءالله به عنوان نیاز ضروری جامعه بشری در این عصر چنان است که «نه وجودش را می‌توان انکار کرد و نه مسیرش را منحرف نمود و نه از شدّت و قدرتش کاست. از درودیوار می‌گذرد و به درون خانه راه می‌یابد.» تحلیل بیت‌العدل اعظم از دلیل اصلی مخالفت علما و امرا با امر بهائی، دو ویژگی «برابری و عدالت اجتماعی» است که در جامعه بهائی محقق شده و برای جامعه آرمانی آینده بشر هم خواسته شده است. این دو گروه که صاحبان قدرت و حکمرانی بوده و هستند؛ در آن جامعه مبتنی بر برابری و عدالت اجتماعی جا و مقامی خاص برای خود نمی‌یابند. همین بیم و هراس علت اصلی بلایای وارد بر بهائیان بوده؛ درحالی‌که

جامعه بهائی ایران در عین فشارها و تهدیدات دائمی به ساخت جامعه‌ای مشغول بوده که نمونه‌ای از مدنیت الهی مورد نظر حضرت بهاءالله برای همه عالمیان است. به نظر بیت‌العدل اعظم بهائیان ایران با استقامت، از خودگذشتگی؛ حتی نثار جان خود اثبات کرده‌اند که آرزومند پیشرفت و ترقی کشور ایران هستند. ایرانی که به گفته حضرت عبداله‌اء، در آینده چنان «تابناک» و «منور» و «شهر آفاق» شود که «عزت ابدیه پیشینیان» دوباره ظاهر و «دیده‌ها خیره و حیران» گردد. بیت‌العدل اعظم نیز در پایان پیام خود به بهائیان مستقیم ایران چنین اطمینان می‌دهد:

«شب تیره تضییقات به سرآید و عظمت و جلال بنیان قوی‌الارکانی را که با جان‌بازی و فداکاری بنا نموده‌اید با سرور و مباهات مشاهده خواهید کرد.»

نتیجه

آینده ایران تنها با تجدد توأم با اخلاق معنوی منبعث از دین حقیقی ممکن است. شکست دو الگوی پیشین در تاریخ معاصر ایران و پس از بی‌اعتنایی جامعه و رهبران فکری، معنوی و سیاسی‌اش به نصایح حضرت بهاءالله و حضرت عبداله‌اء، به صورت تجربی و عملی این ناکارآمدی را اثبات نموده است که الگوی برگرفته از تمدن و تجدد غربی مفید نیست؛ چون صرفاً به نوسازی ظاهر جامعه می‌پردازد و معنویت و اخلاق را فراموش می‌کند. همچنین الگوی بازگشت به سنت‌های قرون وسطایی و کنار گذاشتن علم و عقل نیز نتیجه‌ای جز عقب‌ماندگی بیشتر از جهان و تعمیق بحران نداشته است؛ بنابراین هسته اصلی پیام این است که بدون تعلیم و تربیت روحانی و اخلاق پسندیده و استفاده از علم و عقلانیت نمی‌توان به تمدنی پایدار رسید. راه نجات ایران و البته جهان، در پذیرش تعالیم حضرت بهاءالله است که جامع عناصر لازم برای ایجاد این مدنیت است؛ یعنی دین و اخلاقی سازگار و هماهنگ با علم و عقلانیت.

نگاهی دیگر به پیام ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳

امروز که ۲۲ سال از صدور این پیام گذشته است می‌توان آن را بازخوانی کرد و دید آیا نکاتی که در آن زمان گفته شده؛ در طی این حدود ربع قرن دیگر، تغییری کرده است. چند نکته را یادآوری می‌کنیم تا نشان دهیم وضعیتی که در پیام معهد اعلیٰ توصیف و تحلیل شده؛ چندان تغییر اساسی نکرده است:

۱. فلسفهٔ بلا از دیدگاه حضرت بهاءالله

معهد اعلیٰ پیرو دیدگاه جمال مبارک در الواح متعددشان «استقامت» اهل بهاء را همان آکسیری می‌داند که بر مس جامعۀ معاصر ایران زده شده تا زر ناب مدنیت الهی در بوتهٔ تاریخ تمدن آینده پدید آید و این وعدهٔ هیکل مبارک در «لوح سلطان ایران» تحقق یابد که فرمودند: «فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ الْقَوْمَ مَا لَا يَفْقَهُونَهُ الْيَوْمَ». «بیت‌العدل اعظم در تشریح این حقیقت مهم پرسش‌هایی محوری را که دوست و دشمن پیش روی خود دارند؛ مطرح کرد تا با بیان پاسخشان این معما را حل نماید:

حضرت بهاءالله در لوح سلطان ایران می‌فرمایند:

«لَا أَجْزَعُ مِنَ الْبَلَايَا فِي سَبِيلِهِ وَلَا عَنِ الرِّزَايَا فِي حُبِّهِ وَرِضَائِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ الْبَلَاءَ غَاذِيَةً لِهَذِهِ الدَّسَكِرَةِ الْخَضِرَاءِ وَ دُبَالَةً لِمَصْبَاحِهِ الَّذِي بِهِ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.»^۹

(آثار قلم اعلیٰ، جلد اول؛ لوح سلطان ایران؛ ص ۵۸)

^۹ - مضمون بیان مبارک به فارسی: به‌زودی قوم خواهد دانست آنچه را امروز نمی‌فهمد.

^۱ - مضمون بیان مبارک به فارسی: از بلایای در راه او ناله مکن و نه از مصایب به خاطر دوستی‌اش و خرسندی‌اش. خداوند بلا را بارانی برای دشت سرسبز و فتیله‌ای برای چراغش قرار داد که به آن زمین و آسمان روشن شود.

و در همان لوح منیع چنین فرموده‌اند:

«نَسْأَلُهُ بِأَنْ يَجْعَلَ هَذَا الْبَلَاءَ الْأَدَهَمَ دِرْعاً لِهَيْكَلِ أَمْرِهِ وَ بِهِ يَحْفَظُهُ مِنْ سُيُوفِ شَاحِدَةٍ وَ قُضْبِ نَافِذَةٍ. لَمْ يَزَلْ بِالْبَلَاءِ عَلَا أَمْرُهُ وَ سَنَا ذِكْرُهُ. هَذَا مِنْ سُنَّتِهِ قَدْ خَلَتْ فِي الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ وَ الْأَعْصَارِ الْمَاضِيَةِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ الْقَوْمُ مَا لَا يَفْقَهُونَهُ الْيَوْمَ.»

(آثار قلم اعلی، جلد اول؛ لوح سلطان ایران؛ ص ۶۱)

این موضوع البته شایسته مطالعه و بسط بیشتر است که در اینجا مجال و فرصتش نیست.

۲. آرزوی ریشه‌کن کردن آیین و جامعه بهائی و نتیجه آن

بیت‌العدل اعظم در پیام اشاره کرده بود که مخالفان آیین الهی از آغاز این دیانت، آرزوی قلع‌و‌قمع آن و پیروانش در دل و فکرشان بوده است. ناصرالدین‌شاه در سال‌های آغازین ظهور امرالله چنین تصور می‌کرد که با تیرباران حضرت باب و کشتار دسته‌جمعی پیروان آن حضرت و تبعید حضرت بهاءالله و خانواده‌شان به دورترین سرزمین‌هایی که می‌توانست؛ ریشه شجره امر بدیع را درآورده و سوزانده است و دیگر خبری از رشد و گسترش آن نخواهد بود. امروز بیژن عبدالکریمی، نویسنده و استاد فلسفه در دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در کتابش چنین می‌نویسد:

«امروز که حدود ۱۵۰ سال از ظهور و پیدایش آیین بهائی می‌گذرد؛ دائرةالمعارف بریتانیکا بهائیت را، یعنی همان آیینی که سید علی محمد شیرازی و میرزا حسینعلی نوری مؤسسين آن بوده اند و براساس

۱ - مضمون بیان مبارک به فارسی: از او می‌خواهیم این بلای سیاه زرهی برای پیکر امرش و به وسیله آن او را از شمشیرهای تیز و شمشیر فرورونده. همیشه به وسیله بلا امرش بلند شد و ذکرش فرارفت. این از سنتش است که در قرون گذشته و اعصار رفته، جاری شد. به‌زودی قوم خواهد دانست آنچه را امروز نمی‌فهمد.

تعالیم شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی شکل گرفته بودند[!؟] دین مستقلی می‌شمارد که از حیث پراکندگی و انتشار در جهان، بعد از مسیحیت به رتبهٔ اوّل رسیده است؛ اما تمامی این داستان عجیب را که صرفاً یکی از هزاران قصهٔ عجیب تاریخ است؛ چگونه باید برای خویش فهم‌پذیر ساخت؟» (دن کیشوت‌های ایرانی؛ تهران: نقد فرهنگ؛ چاپ اول، ۱۳۹۷؛ ص ۷۳۳)

گواهی ایشان بر ناکامی مدعیان قلع‌و‌قمع و نافرجامی برنامه‌های نسل‌کشی آنها در طی این ۱۸۲ سال یکی از صدها اعتراف و شهادتی است که بیان شده است.

۳. دیدگاه معهد اعلی دربارهٔ استقامت احبا در ایران

بیت‌العدل اعظم در طی سال‌های پس از صدور پیام ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ در عین به رسمیت شناختن آزادی محائیان ایران در تصمیم‌گیری برای مهاجرت یا ماندن در وطن همچنان مقاومت و استقامت در ایران را از هر خدمتی در نقاط دیگر جهان ارجح می‌دانند. یکی از سندهای چنین نظری از طرف معهد اعلی این نامه است:

«همان‌طور که واقفید معهد اعلی در پیام‌ها و دستخط‌های خود فداکاری، شکیبایی و استقامت احبّای جان‌فشان محمد امرالله در رویارویی با تضییقات، محدودیّت‌ها و چالش‌های بی‌شمار در چند دههٔ اخیر را به‌کرات ستوده‌اند و ثمرات و دست‌آوردهای استقامت سازندهٔ آن عزیزان که منجر به آغاز استقرار پایه‌های تمدّنی روحانی در آن خطّهٔ نورا گردیده را توصیف نموده‌اند تا آنان به نتایج درخشان پایداری و فداکاری‌های خود که حقیقتی است روحانی، مسلم و غیرقابل انکار و قوف کامل داشته باشند؛ بنابراین اقامت، استقامت و خدمت در آن کشور مقدّس علی‌رغم تضییقات لائحی و محدودیّت‌های فراوان را نمی‌بایست خدای ناکرده «اتلاف عمر» تلقی نمود و ثمرات آن را ناچیز پنداشت.»

(مرقومه بیت‌العدل اعظم در پاسخ یکی از احبای مهد امرالله؛ ۵ ژوئن ۲۰۲۲)

این یکی از ده‌ها مرقومه و پیام بیت‌العدل اعظم و احتمالاً تا زمان نگارش این مطلب، آخرین آن‌ها در چهار دهه اخیر است که در اهمیت استقامت سازنده بهائیان ایران و تأثیرات تمدن‌ساز آن سخن گفته و جای شک‌و‌شبهه برای کسی نگذاشته است تا در فایده و ثمر آن تردیدی به دل راه دهد.

ساختار موضوعی پیام ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳

بخش نخست: رساله مدینه و بازتعریف تجدد

بند ۱: تمدن گذشته ایران

۱. یادآوری دوران پیشین ایران
۲. مضمون یادآوری: مرکزیت علوم و فنون و صنایع و فضایل و خصایل انسانی
۳. میراث مدنیت عظیم ایران
۴. دعوت به همت و غیرت در استیفای میراث مرغوب مدنیت

بند ۲: خصایص تجدد غربی و رویکرد تمدنی حضرت عبدالبهاء

۱. طرح مسأله تجدد در رساله مدینه
۲. تأکید بر مطرح بودن مسأله تجدد در جوامع اسلامی امروز
۳. تشریح دقیق و صریح مفهوم تجدد
۴. برشمردن خصایص انقلاب فرهنگی تجدد از جمله:

۱. حکومت مردم‌سالاری،

۲. حاکمیت قانون،

۳. تعلیم و تربیت عمومی،

۴. رعایت حقوق بشر،

۵. پیشرفت اقتصادی،

۶. همزیستی و بردباری بین اهل ادیان،

۷. ترویج علوم و فنون و صنایع مفیده،

۸. تأمین رفاه اجتماعی

۵. نفی تقلید کورکورانه از تمدن ظاهری مغرب زمین

۶. توصیف تمدن غرب:

۱. استغراق در بحر نفس و هوی

۲. و گرفتار در دام بینشی ماده‌گرا

۷. سرانجام و ثمره بینش مادی غرب: ناکامی و نافرجامی

۸. ردّ تمدن صوری بدون تمدن حقیقی اخلاقی، به علّت:

۱. تخریب بنیان انسانیت

۲. و تدمیر ارکان آسایش و سعادت

بند ۳: رابطه تجدّد با عقل و دانش

۱. روش و رویکرد مناسب در بررسی مسأله تجدّد:

- نظر به باطن امور

۲. عامل اصلی پیشرفت تمدن انسانی در طیّ قرون و اعصار:

- قوای فعال متحول‌کننده عقل و دانش

۳. تجلیل از مقام و تأثیر عقل و دانش

۱. عطیّه کبری

۲. سبب ترقی حقیقی عموم بشر

۳. باعث آثار و افکار و معارف و فنون و حکم و علوم و صنایع و بدایع مختلف متنوع

۴. موجب عزت و سعادت هر ملتی

بند ۴: نقش خلاق عقل و دانش در تمدن بشری و اهمیت آزادی اقتباس از یکدیگر

۱. تجلیل «رساله مدینه» از نقش خلاق عقل و دانش در پیشرفت تمدن انسانی

- ترقیات علمی و صنعتی

۲. دعوت خوانندگان رساله مدینه به تأمل درباره نتایج و فواید اقتباس معارف و فنون مفیده از سایر نقاط عالم

۳. تحقیقات و اکتشافات سودمند منبعث از خرد انسان

۴. مخالفت عقل و منطق با ایجاد موانع فرهنگی و ملی برای محدود کردن قوه کشفه خرد انسان

۵. مالکیت عمومی پیشرفت‌ها و توفیقات خرد انسانی

۶. اقتباس و استفاده نتایج عقل و دانش دیگران:

۱. نه باعث کاستن از قدر و منزلت اقتباس‌کننده

۲. و نه نشانه قلت استعداد و ظرفیت اقتباس‌کننده

بند ۵: جلب توجه مردم ایران به قوای روحانی هادی بینش انسان و ماهیت روحانی تجدد حقیقی

۱. نقد عقاید واهی درباره سرشت انسان

- رد نظریه اخلاق طبیعی

۲. نقش تعلیم و تربیت در ارتفاع مقام و ترقی هر نفسی

- قانونی ضروری برای ترقی بشر و پیشرفت جامعه

۳. عامل اصلی در تهذیب اخلاق

۱. نه خرد فطری

۲. تأثیر ظهور مظاهر الهیه در روح انسان

۳. شواهد بی‌شمار گواه این حقیقت است

۴. رابطه تجدد با تعالیم مظاهر مقدسه

- توانایی اهل عالم به کاربرد منابع مادی و فنون حاصله از اختراعات علمی در خدمت رفاه و بهبود

نوع بشر

- تعیین معنی و مفهوم تجدد در هر عهد و عصری از طرف مظاهر مقدسه الهیه

- مشخص کردن مقتضیات تجدد

- مرئیان حقیقی نوع انسان

۵. فواید اخلاقی ادیان الهی

۱. صداقت

۲. حسن نیت

۳. عفت و عصمت کبری

۴. رأفت و رحمت عظمی

۵. وفای به عهدوميثاق

۶. حریت حقوق

۷. انفاق

۸. عدالت در جمیع شؤون

۹. مروّت

۱۰. سخاوت

۱۱. شجاعت

۱۲. سعی و اقدام در نفع جمهور بندگان الهی

بخش دوم: شواهد تاریخی در تأیید تشخیص و تجویز حضرت عبدالبهاء

بند ۶: ارتباط رساله مدنیّه با وضعیت امروز ایران

۱. تأیید تشخیص و تجویز حضرت عبدالبهاء با وقایع عصر حاضر

۲. فایده حقایق مودوعه در رساله مدنیّه:

۱. موقعیت کنونی ملت ایران

۲. موقعیت جامعه بهائی ایران

بند ۷: موانع تجدّد در دوران قاجار

۱. خواست حضرت عبدالبهاء از مردم و اولیاء امور ایران:

۱. گشودن دیده بصیرت

۲. پرهیز از تقلید نفوس متوهم

۳. تغییر و تحول اساسی در طرز تفکر و رفتار فردی و اجتماعی

۴. به فکر بزرگواری و عزّت خود بین ملل و طوایف عالم باشند

۵. درک احتیاجات مملکت با وجدانی آگاه و تمسک به خشیه‌الله با اتحاد

۶. فدا نمودن منافع شخصی برای مصالح عمومی

۲. وضعیّت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران در دوره قاجار:

۱. گرفتار در دام استبداد فرسوده قاجار و پنجه زمامداران بی‌لیاقتش

۲. غرق در مرداب نادانی و انحطاط

۳. رقابت سیاستمداران فاسد رشوه‌خوارش بر سر بهره‌گیری از ثروت روبه‌زوال کشور

۴. در آستانه ورشکستگی

۳. یادآوری برخی از بزرگ‌ترین رهبران و متفکران ایرانی در تاریخ فرهنگ و تمدن جهان:

- کورش و داریوش، جلال‌الدین رومی و حافظ شیرازی، ابن سینا و زکریای رازی

۴. قربانی شدن ملت در پای اقدامات طبقه روحانیون جاهل و مغرض

۵. بهای تأمین و تداوم حقوق و امتیازات طبقه روحانیون:

- ترساندن خلق ناتوان از ترقی و تجدد

بند ۸: روی کار آمدن سلسله پهلوی؛ استبداد نظامی و الگوپردازی از تجدد غربی

۱. توصیف رضاشاه پهلوی

- مردی سپاهی و طالب نام و نشان

۲. نحوه به قدرت رسیدن رضاشاه

- با استفاده از هرج و مرج ناشی از جنگ جهانی اول

۳. خصیصه حکومت پهلوی

- حکومتی مبتنی بر استبداد نظامی

- راه نجات ایران: اجرای برنامه‌هایی منظم برای اشاعه تمدن غرب

۴. مهم‌ترین راه‌کارهای حکومت پهلوی برای تجدّد و نوسازی ایران:

۱. تأسیس مدارس

۲. تأسیس مشروعات اجتماعی

۳. استخدام کارمندان کارآزموده

۴. تشکیل ارتش مجهّز

۵. تشویق و ترویج سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان وسیله‌ای برای توسعه منابع چشم‌گیر ملی

۶. آزادی زنان از قیود شدید مانع پیشرفت

۷. فراهم کردن امکانات تحصیل علوم و حرف و فنون برای زنان

۵. جایگاه مجلس شورای ملی در عصر پهلوی:

۱. فاقد صاحب قدرت و اختیارات لازم

۲. امید به تبدیل شدن به پشتوانه حقیقی حکومتی بر اساس رضایت و انتخاب ملت

بند ۹: نتیجه افزایش درآمد نفتی و ثروت کشور در عصر پهلوی

۱. بی‌فایده‌گی اصلاحات اجتماعی

۲. ثروت تمول مفرط برای اقلیتی خودخواه و مزیت‌طلب:

- عدم استواری نظام موجود بر اساس عدالت فردی و اجتماعی

۳. بهبود اندک اوضاع عامه مردم

۴. پوشاندن ابتذال عمیق جامعه از طریق:

۱. تجدید خاطرات گذشته‌ای پرشکوه

۲. نمایش نمادهای نفیس فرهنگی

۵. پایه‌های اخلاقی جامعه

۱. حرص

۲. جاه‌طلبی

۶. سرکوب شدید هرگونه اعتراضی با نیروی امنیتی بدون هیچ‌گونه نظارت قانونی

بند ۱۰: انقلاب مردم ایران

۱. برچیده شدن سلطنت مستبد پهلوی در سال ۱۳۵۷

۲. به فراموشی سپردن دعاوی پوچ کاذب حکومت پهلوی

۳. ویژگی انقلاب مردم ایران:

۱. دستاورد اتحاد گروه‌های متعدّد

۲. با نیروی محرّکه آرمان‌های اسلام

۴. وعده‌های مسؤولین و اولیاء انقلاب به مردم:

۱. عمل به وقار و نجابت به جای لذّت‌جویی عنان‌گسیخته

۲. التیام نابرابری‌های شدید طبقاتی و اختلاف فاحش میان فقیر و توانگر با توسّل به روح دوستی

و برادری

۳. تخصیص منابع طبیعی به جمیع مردم ایران

۴. صرف درآمد حاصل از منابع ثروت کشور جهت ایجاد کار و فراهم ساختن امکانات تحصیل همگان

۵. مدّاهای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱. تساوی حقوق همه مردم آن کشور

۲. کوشش حکومت با وجدانی بیدار برای پیوند دادن ارزش‌های روحانی با اصول آزادی و

مردم‌سالاری

بند ۱۱: کارنامه انقلاب اسلامی پس از ربع قرن

۱. فریاد نارضایتی و خشم جوانان و اعتراض از هر گوشه ایران علیه:

۱. شیوع فساد

۲. دسیسه‌های سیاسی

۳. سوء رفتار با زنان

۴. سرکوب کردن اندیشه و اندیشمندان

۵. عدم رعایت حقوق بشر

۲. لزوم تأمل بر تأثیر استناد به مرجعیت قرآن مجید برای توجیه سیاست‌ها بر افکار و روحیه ملت

بخش سوم: راه حلّ بحران مدنیت ایران و نقش تعالیم هائی

بند ۱۲: راه حلّ‌های بحران مدنیت ایران

۱. دو راه حلّ شکست خورده بحران مدنیت ایران:

۱. تقلید کورکورانه از فرهنگ سقیم غرب (عصر بهلوی)

۲. بازگشت به جاهلیت قرون وسطی (عصر جمهوری اسلامی)

۲. بی‌اعتنایی به راه حل حضرت بهاءالله در موطنشان

۳. تجلیل از حضرت بهاءالله در خارج از ایران: روز ۲۹ می سال ۱۹۹۲ میلادی در جلسه رسمی پارلمان

برزیل به مناسبت سالروز صدمین سال صعود آن حضرت

۱. آفریننده «عظیم‌ترین مجموعه آثار دینی که تاکنون به قلم یک فرد تألیف شده»

۲. پیام بهاءالله «برای جمیع نوع بشر و رای تفاوت‌های بی‌اهمیت نژادی، مذهبی و ملی»

بند ۱۳: پاسخ زادگاه و موطن جمال مبارک به دعوت ایشان

۱. آماج تیر بلا و گرفتاری در دام جفا

۲. لبیک نیاکان و پیشینیان شما به ندای یار مهربان

۳. معزز گشتن نیاکان بهائیان به عزت بی‌پایان: شریک و سهم شدن در ابتلائات آن مولای علیم

۴. وفاداری بهائیان از آن گذشته پرافتخار تا به حال

۵. ایثار جان و مال خود را در سبیل انتشار نفحات مشک‌بار آیین یزدان

۶. رساندن پیام عامل ایجاد مدنیتی جدید و فرهنگی بدیع در جامعه بشری به دورترین نقاط جهان

۷. گرفتار آزار اهل عدوان و تحقیر و توهین و هتک مخالفان در وطن خود

۸. سهم هر خانواده بهائی در ایران از این تضییقات و صدمات بی‌امان

بند ۱۴: شدیدترین لطامات وارد بر امر الهی: تحریف حقیقت امر الهی

۱. تهمت و افتراء نسبت به امر جمال الهی از جانب مراجع تقلید در امور روحانی و اخلاقی

۲. تحریف حقیقت آیین بهائی:

۱. بیش از یک صد و پنجاه سال

۲. با هر وسیله ارتباط جمعی: اعم از مساجد و منابر، مطبوعات و جراید، رادیو و تلویزیون، حتی

انتشارات علمی

۳. به منظور ایجاد حس خصومت و تحقیر و مخالفت و بیزاری نسبت به جامعهٔ جهانی بین عامهٔ مردم

۴. ابا نکردن معاندین از ذکر هیچ تهمت

۵. دروغ گفتن

۳. ممانعت و محرومیت جهانیان برای دفاع از خود و بیان حقایق و بر ملا کردن دسایس دشمنان جهت مسموم

ساختن اذهان ملت

بند ۱۵: مفتریات معاندان به امر الهی

۱. نسبت دادن هر فتنه و فساد و خطائی به آن مظلومان از طرف دشمنان شما در ایران به صرف کینه‌ای

عنان گسیخته

۲. ذکر این اتهامات در جوامع آزادی که امر مبارک در آن اشتهار یافته: صرفاً میبایست وقاحت ذهن مفتریان

۳. یکی از برجسته‌ترین توفیقات بی‌شمار امر الهی:

- نایل شدن نسل‌های متوالی پیروان جمال الهی در ظلّ تعالیم مبارکهٔ حضرتش به والاترین مدارج

اخلاقی در حیات روزمرهٔ خویش

- بی‌نیازی این ادّعا از برهان

- شاهد صدق مدّعا: حیثیت و اعتبار جامعهٔ جهانی در سراسر جهان در میان عامهٔ مردم و دول و

دوایر بین‌المللی

- گواهی صدها هزار نفر از هموطنان آشنا با خلق و خوی اهل نهاء از نزدیک

بند ۱۶: سیاست هراس افکنی علیه نفوس مدافع نهائیان و جعل اکاذیب و تحریف حقایق

۱. جلوه دادن نهائیان در انظار عام به عنوان عواملی خطرناک برای جامعه از طرف ستمکاران بی انصاف

۲. نهائی خواندن دوستان نهائیان:

- بی اعتمادسازی به زعم خویش

۳. گسترش دامنه جعل اکاذیب و تحریف حقایق:

- قلمداد نمودن جسورانه بعضی از مخالفان امر الهی جزء حامیان مخفی امرالله

۴. قضیه انتساب امیرعباس هویدا به جامعه نهائی:

- پدرش به سبب دخالت در امور سیاسی و حزبی از جامعه نهائی طرد شده بود

- خودش نیز برای اثبات عدم وابستگی به امر نهائی به هر وسیله ای متوسل و باعث مشکل

عدیده برای احبای ایران گردید.

بند ۱۷: تلاش سرکوبگران برای قلع و قمع جامعه نهائی

۱. عدم اکتفای سرکوبگران جبار به ایراد تهمت و بهتان

۲. تلاش برای قلع و قمع جامعه نهائی در هر فرصتی از بدو ظهور

۳. آزار و اذیت برخی از شریف ترین زنان و مردان نهائی در سال های اخیر:

۱. زندانی کردن

۲. شکنجه های شدید

۳. محاکمه های تصنعی و نمایشی

۴. قتل

۵. تاراج اموالشان به مدد اراذل و اوباش محافظ منافع ستمگران

- به مکان‌های بی ارزش در نظر خردمندان

۴. انحلال مستبدانه محافل روحانی: نمونه‌های بارز مؤسّسات انتخابی برای تمثیت امور جامعه

۵. ربودن بعضی از اعضای محافل روحانی بدون به‌جا گذاشتن نشانی از آنها

۶. یتیم شدن بسیاری از کودکان

۷. نقش‌برآب شدن برنامه‌های تحصیلی و معیشت بسیاری از جوانان

۸. بی‌خانمان شدن بسیاری از سالمندان به علت محرومیتشان از حقوق تقاعدشان به پاداش عمری کار و

کوشش صادقانه

۹. ویران کردن برخی از گلستان‌های جاوید بهائی به طرزی قبیح

- مجبور شدن بسیاری از پدران و مادران به دفن اجساد متلاشی‌شده فرزندان‌شان در قطعه زمین

بایری

بند ۱۸: معیار دوگانه حکومت ایران درباره اسائه ادب به اماکن مقدسه شیعیان و بهائیان

۱. آمادگی دشمنان شما برای اعتراض با ملاحظه کمترین اسائه ادبی نسبت به یکی از اماکن مقدسه اسلام

- در این امر البته محقّ اند.

۲. روادانستن هر هتک حرمتی را نسبت به اماکن مقدسه بهائی در کشور ایران

- با خاک یکسان کردن بیت مبارک حضرت اعلی در شیراز، زیارتگاه بهائیان عالم، به دستور علماء

و به دست عمّال دولت

- بیان حضرت هاءالله درباره کسانی که دستشان به این مظلّم و اعمال شرارت بار آلوده است:
«قسم به امواج بحر بیان که دین از آن نفوش بیزار بوده و هست».

بخش چهارم: تحلیل ستم و بیدادگری و نتیجه استقامت هائیان ایران

بند ۱۹: آسیب‌های وارد بر قربانیان بیدادگری در جهان امروز

۱. در دنیای پرآشوب امروز، تنها شما قربانی بیدادگری نیستید.
۲. هزاران هزار ستم‌دیده در جهان امروز
۳. افزایش هرساله تقاضاهای جوامع مختلف برای رسیدگی به مظلّم وارده بر اقلّیت‌های دینی، قومی، ملی و اجتماعی به دفاتر سازمان‌های حقوق بشر
۴. به‌فرموده حضرت هاءالله: «امروز ناله عدل بلند و حنین انصاف مرتفع. دود تیره ستم عالم و امم را احاطه نموده».
۵. صدمات روحی و روانی ناشی از ظلم و ستم به مراتب بیش از لطّات جسمانی و مادّی آن است.
۶. هدف عاملان این گونه تعدّیات و تضییقات:
 ۱. تضعیف روحیه فرد قربانی
 ۲. از بین بردن حیثیتش
 ۳. سلب حقوق فردی و اجتماعی او
 ۴. مجاز دانستن خود به روانداشتن کمترین ملاحظه‌ای نسبت به قربانی
 ۷. نتایج ادامه شرایط تعدی و تضییقات:
 ۱. از دست دادن اعتماد به نفس قربانی

۲. عاری شدن از روحیّه ابتکار که خصیصه طبیعت انسانی است.
۳. از دست دادن عزم و اراده خود
۴. بازیچه دست حاکمانشان شدن
۵. احتمال بروز همان رفتار ظالمانه نسبت به دیگران در فرصت مناسب به دست افرادی که به آن وضع خوگرفته باشند.

بند ۲۰: پرسش‌های اساسی اهل بصیرت برای فهم علت استقامت مهائیان ایران

۱. چه نیرویی شما عزیزان را از این‌گونه فرسودگی روحانی محفوظ داشته است؟
۲. با استفاضه از چه منبع الهامی توانسته‌اید قلوبتان را از نفرت و کینه پاک و منزّه سازید؟
۳. چگونه توانسته‌اید با آنان که بر شما ستم روا داشته‌اند؛ با بزرگواری و عطف رفتار نمایید؟
۴. چگونه توانسته‌اید محبت جاودانه خود را نسبت به سرزمینی که در آن متحمل بلایای لاثُخصی شده‌اید؛ حفظ کنید؟
۵. چگونه است که بعد از یک قرن و نیم مقاومت در مقابل تضيیقات متتابعه و علی‌رغم برنامه‌های منظم جهت ریشه‌کن ساختن جامعه مهائی هنوز شما در مساعی خویش برای رسیدن به اهداف عالیّه روحانی و اخلاقی با عزّت و افتخار ثابت‌قدم مانده‌اید؟
۶. پاسخ جمال مبارک به این پرسش‌ها:

- «هر ناری مخمود مشاهده می‌شود مگر ناری که حبّ الله در قلوب ظاهر و مشتعل است.
- هر شجر محکمی را اریاح قاصفه براندازد؛ مگر اشجار بستان الهی را

- و هر سراجی خاموش؛ مگر سراج امر الهی که در وسط عالم روشن و منیر است. اریاح بر نورش بیفزاید و اطفاء او را نیابد.»

بند ۲۱: پاسخ تاریخ به جویندگان رمز قوای روحانی هائیان ایران

۱. شما عزیزان پرورده دست باغبان آن بستان الهی و صنع چنین کلمات خلاقه یزدانی هستید: (تربیت اخلاقی هائیان با کلمات خلاق یزدانی)

۲. «ای دوستان، سراپرده یگانگی بلند شد؛ به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید. همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار». (وحدت عالم انسانی)

۳. «محبّت نور است؛ در هر خانه بتابد و عداوت ظلمت است؛ در هر کاشانه لانه نماید». (محبّت)

۴. «اگر انسان به قدر و مقام خود عارف شود؛ جز اخلاق حسنه و اعمال طیبه راضیه مرضیه از او ظاهر نشود». (عرفان مقام و کرامت انسانی / اخلاق حسنه / اعمال طیبه راضیه مرضیه)

۵. «باید کلّ الیوم به اسبابی تمسک نمایند که سبب اصلاح عالم و دانایی ام است». (اصلاح عالم / دانایی ام)

۶. «لسان از برای ذکر خیر است او را به گفتار زشت میالایید». (کاربرد گفتار خیر)

۷. «اناث و ذکور عندالله واحد بوده و هست». (وحدت و برابری زنان و مردان)

۸. «ذره‌ای از عصمت اعظم از صدهزار سال عبادت و دریای معرفت است». (برتری عمل اخلاقی بر مناسک عبادی)

۹. «کل را به صنعت و اقتراف امر نمودیم و از عبادت محسوب داشتیم». (تعمیم ارزش عبادت به عمل اجتماعی و اقتصادی)

۱۰. «امانتُ باب اعظم است از برای راحت و اطمینان خلق». (رعایت امانت برای اعتماد میان افراد)
۱۱. «دانایی سبب علوّ و سموّ است. انسان را از خاک به افلاک رساند و از تاریکی به روشنایی کشاند. اوست نجات‌دهنده و حیات‌بخشنده. کوثر باقی عطا کند و مائدهٔ مُنزله بخشد.» (مقام کسب دانایی)
۱۲. جوهر این آیات مبارکه: «هائی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی». (کمال‌طلبی هائیان)

بند ۲۲: واکنش جامعهٔ هائی ایران در قبال تضییقات و محرومیت‌ها

۱. ظهور واقع‌بینی و چاره‌جویی و کردانی و ابتکار از طرف هائیان ستدیده
 - سبب تسکین قلوب هائیان و تحسین دیگران در سراسر جهان
۲. ابتکارات ناشی از استقامت فعال و خلاق جامعهٔ هائی ایران در برابر محرومیت‌ها:
 - تشکیل کلاس‌های درسی در منازل خود هنگام اخراج دانش‌آموزان هائی از مدارس به علّت تمسّک به امر الهی.
 - بنیان نهادن مؤسسهٔ علمی آزاد در سطح دانشگاهی در پاسخ به محرومیت جوانان از تحصیلات دانشگاهی
 - پاسخ‌گو نبودن این اقدام در برابر احتیاجات هزاران جوان هائی محروم از فیض تحصیل در ایران
۳. افتخارآفرینی بعضی از فارغ‌التحصیلان مؤسسهٔ علمی آزاد:
 - توفیق ادامهٔ تحصیلات عالیه در دانشگاه‌های معتبر جهان
۴. فقدان نفوس نیازمند بر اثر تبرّعات فداکارانهٔ هائیان ایران
۵. تأمین مخارج لازم جهت فعالیت‌های جامعه
۶. استغراق جامعهٔ هائی ایران در بحر آثار مبارکهٔ الهیه

۷. ادامه با شور و هیجان به حیات و ترقیات روحانی خویش در شرایطی چنین دشوار

۸. این شوق و شور فقط می‌تواند ثمر روحانی و عملی تحمل محن و بلا یا در سبیل الهی

بند ۲۳: ثمرات روحیه فداکاری و استقامت بهائیان ایران

۱. این ثمرات نه تنها در ایران؛ بلکه در سراسر عالم مشهود بوده است.

۲. اشاعه و انتشار خدمات لایقه احبای عزیز ایران در جهت نشر تعالیم الهی و تأسیس و تحکیم مؤسسات

امری در هر نقطه‌ای از جهان امروز

۳. عرصه‌های توفیقات احبای مستقیم ایران:

- محدود به عرصه حیات روحانی جامعه بهائی نیست؛

- کمتر رشته علمی یا هنری و یا صنعتی را می‌توان نام برد که بهائیان ایرانی به‌خصوص جوانان

در آن به کسب اعلیٰ مراتب کمال که به کرات مورد تأکید حضرت عبدالبهاء قرار گرفته؛ موفق

نشده باشند.

۴. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند در مدتی کوتاه به چنین قوه و استعدادی دست یابد.

۵. ظهور این کمالات و فضایل را نمی‌توان صرفاً مرهون اراده بشری دانست.

۶. حیات و خدمات مهاجران بهائی ایرانی ثمره فرهنگی است که تعلیم و تربیت را ارج می‌نهد.

۷. پرورش مهاجران بهائی و نسل‌های قبل از ایشان در موطن خویش با عشق و محبت در دامن فرهنگ

مبتنی بر تعلیم و تربیت

بند ۲۴: شاهدان صادق سازگاری ایمان به خدا و حقیقت تجدد

۱. صاحبان انصاف آن یاران را شاهد صادقی بر این مدّعا می دانند که ایمان به خدا و اعتقاد به حقیقتِ تجدد با یکدیگر سازگارند.

۲. نتیجه توفیقات احبای ایران درباره علم و دین:

- دو نظام دانایی مستقل اما مکمل یکدیگر

- محرّک پیشرفت تمدّن

۳. این حقایق بر بسیاری از آشنایان مسلمان شما نیز روشن شده و می شود.

۴. شهادت آشنایان و همسایگان بهائیان ایران:

- به راستی مصداق آیه «أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» اند

- با خشم و تأسف شاهدند که دوستانی که بی گناهییشان در نظر ایشان محرز است بدون

هیچ گونه حفاظت و حمایت قانونی، مورد بهتان و هجوم قرار گرفته اند.

۵. پی بردن آشنایان و همسایگان احبّا بیش از خودشان به شهادت و نجاتی که در خلال این تضییقات

از خود نشان داده اید؛

۶. وقوف تدریجی آشنایان و همسایگان احبّا به صفات واقعی کسانی که با اذیت و آزار شما حرمت اسلام

را آلوده می سازند.

۷. اگرچه شما حبیبان معنوی هنوز از آزادی محرومید؛ اما در آستانه آنید که مقام و موقعیت خود را به

عنوان عضو شریف جامعه ایران کسب نمایید.

۸. غنیمت شمردن خدماتی که ید قدرت پروردگار برای آن پاک اندیشان جهت عزّت و منقبت کشور

مقدس ایران مقدّر فرموده.

بخش پنجم: توفیقات جامعه هائی، الکوی از تمدن و تجدد معنوی و اخلاقی

بند ۲۵: بزرگترین اشتباه طبقات حاکمه درباره امرالله

۱. بزرگترین اشتباه طبقات حاکمه این است که تصور کنند با قدرتی که برای خود غصب کرده‌اند؛

می‌توانند سدّ و مانعی برای قوای مستمر تغییر و تحولات تاریخی باشند.

۲. جریان سیل تحولات با سرعت و قوت، چه در ایران و چه در دیگر نقاط جهان امروز

۳. واقعیت تغییر و تحول مستمر تاریخی:

- انکارشدنی

- منحرف نشدن

- کاهش ناپذیر

- نافذ در همه جا

بند ۲۶: دلیل اصلی و نتیجه مخالفت علما و امراء با امر حضرت هاءالله از آغاز تاکنون

۱. دلیل اصلی مخالفت علماء و امراء از بدو ظهور با امر حضرت هاءالله:

۱. بنای جامعه‌ای بدیع مبتنی بر برابری و عدالت اجتماعی

۲. در آن، جا و مقامی برای خود نمی‌یافتند.

۲. این بیم‌وهراس از آن زمان تا کنون انگیزه بروز شدايد و بلایای متوالیه بر آن سالکان سیل محبت و

وفا بوده

۳. نتیجه مخالفت: ایجاد نمونه‌ای از تمدن آینده مورد نظر حضرت هاءالله توسط اقلیتی خلاق

۴. اقرار اشخاص منصف به اراده آهین حضرت هاءالله برای تحقق مقصد اعلايش

۵. نتیجه استقامت ستاینندگان اسم اعظم در مهد امرالله:

- علاقه هائیان به پیشرفت و ترقی کشور ایران، با:

۱. خدمات صادقانه خود

۲. از خود گذشتگی

بند ۲۷: باور هائیان به آینده باشکوه ایران

۱. «افق ایران از پرتو مه آسمان روشن و منیر گردید. ...

۲. ... عن قریب آفتاب عالم بالا چنان بدرخشد که آن اقلیم اوج اثیر گردد ...

۳. ... و به جمیع جهان پرتو اندازد ...

۴. ... و عزت ابدیه پیشینیان دوباره چنان ظهور نماید که دیده‌ها خیره و حیران گردد.»

۵. «ایران مرکز انوار گردد. ...

۶. ... این خاک تابناک شود ...

۷. ... و این کشور منور گردد ...

۸. ... و این بی‌نام‌ونشان شهر آفاق شود ...

۹. ... و این محروم محرم آرزو و آمال

۱۰. ... و این بی‌بهره ونصیب فیض موفور یابد ...

۱۱. ... و امتیاز جوید ...

۱۲. ... و سرفراز گردد.»

بند ۲۸: دعا و امید برای پایان تضییقات

۱. این مشتاقان در اعتاب مقدّسه منوره آن باسلان میدان خدمت و وفا را در ادعیّه قلبیّه خویش یاد می‌کنند.

۲. شب تیره تضییقات به سرآید.

۳. مشاهده عظمت، جلال، سُرور و مباهات بنیان قویّ الارکانی که با جان‌بازی و فداکاری بنا نموده‌اید
با سُرور و مباهات

